قانون

عصر

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

چهارشنبه

۲۵ آبان ۱۴۰۵ • ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • 11 November 2026

۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و سی و شش

www.asrghanoonir

شهر موشکی جدید، پیام روشن ما به دشمنان است

ویژه



محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس شورای اسلامی

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در پی رونمایی از شهر موشکی جدید ایران، گفت: شهر موشکی جدید، پیام روشن ایران به دشمنان است. این‌بار جغرافیای جنگ را نیروهای مسلح ایران تعیین خواهند کرد.

متن کامل این متن به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جلوه‌ای از عزم ملت ایران برای دفاع از استقلال، امنیت و تمامیت ارضی کشور است. پشت آنچه امروز به نمایش درآمد، سال‌ها تلاش دانشمندان و مهندسان، تدبیر فرماندهان و مجاهدت شبانه‌روزی رزمندگانی قرار دارد که در سخت‌ترین شرایط، کار را بر زمین نگذاشتند و یک پروژه بزرگ و مهم را به نتیجه رساندند.

از همه این عزیزان و همرزمان خودم به‌ویژه جوانانی که با دانش بومی و روحیه جهادی در پیش‌برد این دستاورد نقش داشته‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم و یاد شهدای هوافضای سپاه به خصوص برادران شهیدم شهید حسن طهرانی‌مقدم، شهید امیرعلی حاجی‌زاده و شهید محمود باقری و سایر شهدای عزیز این نیرو را گرامی می‌دارم و به برادر مجاهدم سردار سیدمجید موسوی که در روزهایی سخت، مسئولیتی بزرگ را بردوش گرفته و با شاد کردن دل مردم، تبدیل به نقطه هزیمت دشمن شده، خداقوت می‌گویم. ارزش کار این مجاهدان وقتی روشن‌تر می‌شود که بدانیم این مسیر در میانه فشارها، تحریم‌ها و تهدیدهای نظامی و امنیتی و زیر آتش جنگ طی شده است. آن‌ها نشان دادند که می‌توان در دل محدودیت‌ها و زیر آتش نیز با اتکا به توان خود، قدرت کشور را در یکی از پیچیده‌ترین تکنولوژی‌ها ارتقاء داد.

این شهر موشکی بی شک، بخشی از مسیر ایجاد بازدارندگی پایدار است؛ بازدارندگی‌ای که با آمادگی دفاعی، پیشرفت مستمر و انسجام ملی شکل می‌گیرد و در ذهن دشمن تثبیت می‌شود. پیام این دستاورد بزرگ، به دشمنان که هنوز با تهدید نظامی با ملت ایران سخن می‌گویند، روشن است: در محاسبات خود دچار خطا نشوید و اگر دست از پا خطا کنید، ایران در دفاع سریع و خارج تصور، تردید نمی‌کند و این‌بار، جغرافیای جنگ را نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تعیین خواهند کرد.

رونمایی از این توان موشکی در آستانه سالروز شهادت شهید طهرانی‌مقدم و روز هوافضا، بدون شک دل مردم مقاوم ایران را نیز روشن و باردیگر ثابت کرد که فرزندان ایران، حتی زیر فشار و تهدید و آتش جنگ، از ارتقای توان



ایران نابودگر

سرلشکر عبداللهی: نتانیاهو گفته یا ما ایران را نابود میکنیم یا ایران ما را نابود میکند، من میگویم قطعا ما اسرائیل را نابود خواهیم کرد



صفر شدن واردات گازوئیل

با اجرای راهکارهای بهینه‌سازی

۵

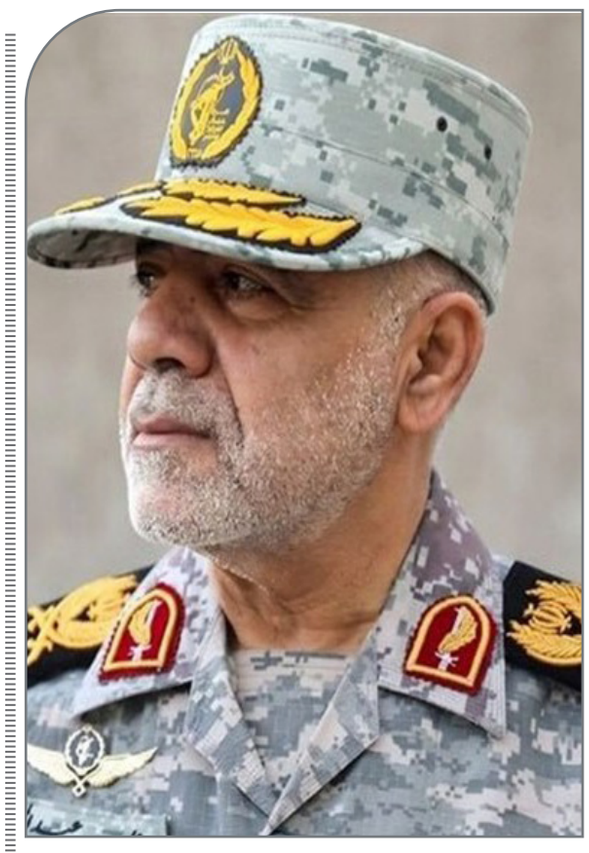
قلعه نویی تا جام ملت‌ها هست

۸

بحران تنگه هرمز

چگونه قفسه داروخانه‌های لندن و نیویورک را خالی کرد؟

۴



ما اسرائیل را نابود خواهیم کرد

رئیس ستادکل نیروهای مسلح گفت: آمریکا و رژیم صهیونیستی شکست خوردگان قطعی این جنگ هستند.

سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) در مراسم رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با تجلیل از نقش نیروهای مسلح در دفاع از کشور، خطاب به کارکنان نیروی هوافضا اظهار داشت: شما و دیگر همرزمانتان که در بخش‌های مختلف نیروی هوافضا و سراسر نیروهای مسلح خدمت می‌کنید، به‌راستی قهرمانان این کشور هستید.

سرلشکر عبداللهی با اشاره به عملکرد نیروهای مسلح در مقابله با دشمن افزود: به فضل الهی، کاری شگفت‌انگیز انجام شد. آمارها نشان می‌دهد که آمریکا در هیچ جنگی، طی بازه زمانی مشابه، این میزان مهمات و تجهیزات نظامی به کار نگرفته است؛ آن هم با چنین حجمی از مهمات پیشرفته که استفاده از آن‌ها را در میدان نبرد شاهد بودیم.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح درباره عوامل ناکامی آمریکا و پشیمانی این کشور از اقدام خود، تصریح کرد: آنچه بیش از سلاح، تجهیزات و امکانات، موجب این ناکامی شد، اراده انسان‌ها بود؛ اراده رزمندگانی همچون شما و سردار سیدمجید موسوی.

وی با تأکید بر اینکه تکلیف نیروهای مسلح، ایستادگی در برابر دشمن است، ادامه داد: بزرگی یا کوچکی دشمن و میزان تجهیزات و امکانات آن، مبنای تصمیم ما نیست. آنچه تاکنون پیروزی ما را رقم زده، همین روحیه بوده است؛ نه محاسبات دشمن را می‌پذیریم و نه این محاسبات بر اراده ما تأثیر می‌گذارد.

سرلشکر عبداللهی در واکنش به اظهارات اخیر نتانیاهو تصریح کرد: نتانیاهو اخیراً گفته است «یا ما باید ایران را نابود کنیم یا ایران ما را نابود خواهد کرد». این سخن تازه‌ای نیست؛ روشن است که ما قطعاً آنان را نابود خواهیم کرد.

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) افزود: آنان پیش‌تر توان خود را آزموده‌اند و با هر آنچه در اختیار داشتند، به میدان آمده‌اند، اما از دستیابی به هدف خود بازمانده‌اند.

وی با اشاره به نیت‌های شوم دشمنان خاطرنشان کرد: هدف آنان نابودی جمهوری اسلامی بود، اما نتوانستند آن را محقق کنند؛ ازاین‌رو، تا این لحظه، رژیم صهیونیستی و آمریکا شکست‌خوردگان قطعی میدان هستند.

سرلشکر عبداللهی همچنین تأکید کرد: شگفتانه‌ها در جنگ آینده، یکی پس از دیگری نمایان خواهد شد.

مفهوم دفاع در بیانات رهبر انقلاب از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته



در شرایطی که ماهیت تهدیدات امنیتی و نظامی در جهان امروز از میدان‌های نبرد سنتی فراتر رفته است و زیرساخت‌های اقتصادی، شبکه‌های اطلاعاتی، ظرفیت‌های سایبری و حتی دارایی‌های غیرمادی کشورها به بخشی از معادلات قدرت تبدیل شده‌اند، بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره به‌روزرسانی بانک اهداف و پاسخ فوری و اثرگذار به تهدیدات، بدون محدودیت جغرافیایی، از اهمیت راهبردی ویژه‌ای برخوردار است، این رویکرد، پرسش‌های مهمی درباره تعریف دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن، گستره جغرافیایی دفاع و تحول دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند. برای بررسی بیشتر سراغ حمزه علی‌پور، کارشناس امنیت بین‌الملل و دبیر دپارتمان غرب آسیا در اندیشکده روابط بین‌الملل رفتیم، در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

در بیانات اخیر حضرت آقا به به‌روزرسانی بانک اهداف و قرار گرفتن انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن در تیررس اشاره شد. منظور از دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن دقیقاً چیست؟

علی‌پور: بیانات حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در دیدار فرماندهان نیروهای مسلح در روز شنبه 9 آبان 1405، از منظر مطالعات راهبردی، بازدارندگی نظامی، ژئوپلیتیک و امنیت ملی حاوی نکات مهمی بود؛ به‌ویژه دو عبارت مطرح‌شده در این دیدار درباره به‌روزرسانی بانک اهداف به‌گونه‌ای که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن در تیررس قرار گیرد و ضرورت پاسخ فوری و اثرگذار به هر سطح و نوع تهدید، بدون محدودیت جغرافیایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.این دو موضوع در کنار تاکید بر تقویت معماری اطلاعات نظامی، توسعه دکترین و تاکتیک دفاعی بومی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و دستیابی به بازدارندگی حداکثری مطرح شده است. از این رو، به نظر می‌رسد بهتر است این بیانات را صرفا یک تهدید نظامی تلقی نکنیم، بلکه آن را اعلام رویکردی درباره گستره ابزارها، قلمروها و ابعاد بازدارندگی بدانیم.

در ابتدا باید مفهوم دارایی راهبردی را از مفهوم محدود تجهیزات و امکانات نظامی جدا کنیم. در مطالعات امنیت ملی، قدرت یک کشور تنها به تعداد موشک‌ها، هواپیماها، ناوها و نیروهای نظامی آن وابسته نیست، بلکه مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها، شبکه‌ها، منابع مالی، فناوری، اطلاعات، ارتباطات و ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی است که قدرت واقعی آن کشور را شکل می‌دهد. به همین خاطر، تعبیر دارایی‌های مادی و غیرمادی مفهومی گسترده‌تر از بانک اهداف متعارف نظامی دارد.

دارایی‌های مادی؛ از تجهیزات نظامی تا زنجیره تأمین و زیرساخت‌ها

دارایی مادی دشمن به امکانات و منابعی گفته می‌شود که وجود فیزیکی دارند و در ساختار قدرت نظامی، اقتصادی و پشتیبانی دشمن نقش ایفا می‌کنند. به نظر من، این دارایی‌ها را می‌توان در شش گروه بررسی کرد:

نخست؛ دارایی‌های نظامی. این گروه شامل هواپیما، ناو، ناو هواپیمابر، سامانه‌های پدافندی، تجهیزات راداری و تأسیسات فرماندهی و کنترل است. این گروه ملموس‌ترین بخش دارایی‌های مادی محسوب می‌شود، اما نباید تمام مفهوم دارایی‌های دشمن را به این مورد محدود کنیم.

دوم؛ دارایی‌های لجستیکی و زنجیره تأمین. قدرت نظامی بدون پشتیبانی لجستیکی پایدار نمی‌ماند. از جمله این دارایی‌ها می‌توان به ناوگان حمل‌ونقل، ظرفیت تامین سوخت، زنجیره تامین و شبکه حمل‌ونقل اشاره کرد. از منظر راهبردی، توانایی استمرار عملیات به اندازه توانایی آغاز عملیات اهمیت دارد.

سوم؛ دارایی‌های صنعتی و فناوری. این گروه شامل صنایع هوافضا، صنایع دفاعی، کارخانه‌های تولید قطعات پیشرفته، فناوری نیمه‌رسانا، الکترونیک و فناوری‌های ماهواره‌ای و فضایی است. نکته مهم این است که وابستگی صنایع نظامی به فناوری‌های پیشرفته باعث شده زنجیره تامین فناوری به یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت ملی تبدیل شود.

چهارم؛ دارایی‌های اقتصادی و مالی. این گروه می‌تواند شامل منابع مالی، ظرفیت تأمین بودجه نظامی، دارایی‌های اقتصادی و مالی، شبکه‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری، ظرفیت‌های بیمه، ساختار اقتصادی و منابع انرژی باشد، البته در اینجا یک تمایز حقوقی بسیار مهم وجود دارد؛ هر دارایی اقتصادی یا مالی دشمن صرفا به دلیل تعلق داشتن به کشور متخاصم، هدف نظامی مشروع محسوب نمی‌شود.

پنجم؛ دارایی‌های دریایی و تجاری. این دسته از دارایی‌ها شامل ظرفیت‌های حمل‌ونقل دریایی، ناوگان تجاری، بنادر، بیمه و زیرساخت‌های پشتیبانی تجاری است. اهمیت این دارایی‌ها از آن جهت است که اقتصاد جهانی و زنجیره تامین بین‌المللی به‌شدت به امنیت مسیرهای دریایی وابسته است.

ششم؛ دارایی‌های سرزمینی و زیرساختی. این گروه شامل تأسیسات انرژی، شبکه‌های حمل‌ونقل، زیرساخت‌های ارتباطی و شبکه‌های توزیع و پشتیبانی است. با این حال، باید میان زیرساخت‌های غیرنظامی و تاسیساتی که واقعا کارکرد نظامی دارند تفاوت قائل شد. صرف اهمیت اقتصادی یا راهبردی یک زیرساخت، آن را به هدف نظامی مشروع تبدیل نمی‌کند.

دارایی‌های غیرمادی؛ بخش مهمی از قدرت کشورها در دارایی‌های نامرئی است

درباره دارایی‌های غیرمادی دشمن هم توضیح دهید، این دارایی‌ها چه مواردی را شامل می‌شوند؟

علی‌پور: یکی از مهم‌ترین ابعاد بیانات حضرت آقا، به‌اعتقاد من، همین بخش است؛ چراکه در جنگ‌های جدید، بخش قابل‌توجهی از قدرت کشورها در دارایی‌هایی قرار دارد که الزاماً قابل مشاهده نیستند. دارایی‌های غیرمادی لزوما به معنای دارایی‌های مجازی نیستند، بلکه هر ظرفیت ناملموسی که در ایجاد، حفظ یا اعمال قدرت نقش داشته باشد، در این دسته قرار می‌گیرد. به نظر من، این دارایی‌ها را می‌توان در هفت گروه بررسی کرد؛ البته ممکن است از نظر من این دسته‌بندی گسترده‌تر هم باشد.

نخست؛ دارایی‌های اطلاعاتی و اطلاعات راهبردی. این گروه شامل اطلاعات عملیاتی و نظامی، شبکه‌های اطلاعاتی، ظرفیت جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های شناسایی و مراقبت، تحلیل اطلاعات، اطلاعات مربوط به آمادگی و تحرکات نظامی و ظرفیت پردازش و تحلیل داده‌هاست. در جنگ‌های جدید، اطلاعات به یکی از عوامل تعیین‌کننده برتری تبدیل شده است. کشوری که اطلاعات دقیق‌تر، به‌روزتر و قابل اتکاتری داشته باشد، در تصمیم‌گیری و واکنش سریع‌تر عمل می‌کند.

دوم؛ دارایی‌های سایبری و دیجیتال. این دارایی‌ها شامل شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ظرفیت‌های سایبری نظامی، نرم‌افزارهای عملیاتی و دفاعی، شبکه‌های مدیریت و انتقال داده و زیرساخت‌های دیجیتال مرتبط با امنیت نظامی است. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم و به نظر من اهمیت زیادی دارد، این است که جنگ دیگر صرفا در میدان زمینی، هوایی و دریایی جریان ندارد؛ فضای سایبری نیز به یکی از حوزه‌های منازعه در جهان امروز تبدیل شده است.

سوم؛ دارایی‌های فضایی و ماهواره‌ای. این گروه شامل ظرفیت شناسایی ماهواره‌ای، سامانه‌های موقعیت‌یابی و ناوبری، خدمات هشدار زودهنگام و سامانه‌های پشتیبانی اطلاعاتی است. نکته‌ای که باید اینجا به آن اشاره کنم این است که بسیاری از توانمندی‌های نظامی مدرن به خدمات فضایی وابسته شده‌اند و اختلال در این خدمات می‌تواند بر ارتباطات، شناسایی و هماهنگی نظامی اثر بگذارد.



چگونه ایران رؤسای جمهور آمریکا را به دردسر انداخت؟

۱۳ آبان ۱۳۵۸ هنگامی که دانشجویان پیرو خط امام(ره) سفارت آمریکا در تهران را تسخیر کردند و ۶۶ آمریکایی را در واکنش به جنایات آمریکا در ایران و پناه‌دادن به محمدرضا پهلوی به‌گروگان گرفتند، دولت جیمی کارتر با یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های سیاست خارجی تاریخ معاصر آمریکا مواجه شد؛ بحرانی که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین عوامل شکست سیاسی رئیس‌جمهور وقت آمریکا دانست.بررسی آمار نظرسنجی‌های آن دوره، تصویر جالبی از تأثیر این واقعه بر محبوبیت کارتر ارائه می‌دهد. نکته قابل‌توجه آن است که تسخیر سفارت در ابتدا براساس استراتژی همبستگی حول پرچم و ملی جلوه دادن این مسئله، حتی موجب افزایش محبوبیت رئیس‌جمهور آمریکا شد اما تداوم بحران و ناتوانی دولت واشنگتن در حل آن، این فرصت اولیه را به یک شکست سیاسی تبدیل کرد. براساس داده‌های مؤسسه گالوپ که در پایگاه American Presidency Project دانشگاه کالیفرنیا نیز ثبت شده است، محبوبیت جیمی کارتر پیش از تسخیر سفارت نیز به‌دلیل شرایط داخلی آمریکا و هم‌چنین بحران منطقه غرب آسیا، کاهش یافته بود، این وضعیت پس از تسخیر سفارت تغییر کرد. مطابق بررسی تاریخی گالوپ، میزان تأیید عملکرد کارتر ابتدا از ۳۲ به ۳۸ درصد افزایش یافت و پس از آزادی ۱۳ نفر از گروگان‌ها در اواخر نوامبر، به ۵۱ درصد رسیداما این افزایش محبوبیت دوام نیاورد، با گذشت زمان، افکار عمومی آمریکا بیش از پیش از ادامه بحران گروگان‌گیری و ناتوانی دولت در حل آن ناراضی شد. شکست عملیات نظامی طبس نیز ضربه دیگری به اعتبار دولت کارتر وارد کرد. براساس آمار ثبت‌شده در American Presidency Project، محبوبیت کارتر در نظرسنجی ۲۷ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ به ۳۱ درصد رسید و میزان نارضایتی از عملکرد او ۵۸ درصد بود، در نظرسنجی ماه سپتامبر نیز میزان تأیید عملکرد وی تنها ۳۷ درصد ثبت شد.نظرسنجی تایم در ۱۴ تا ۱۶ مه ۱۹۸۰، یعنی چند هفته پس از شکست عملیات نجات گروگان‌ها در طبس، نشان داد ۶۳,۵ درصد معتقد بودند مدیریت آمریکا در بحران گروگان‌گیری به اعتبار بین‌المللی این کشور آسیب زده است. گالوپ در جمع‌بندی تاریخی خود از ریاست‌جمهوری کارتر تصریح می‌کند که بحران گروگان‌گیری، اقتصاد ضعیف و تهدید فزاینده شوروی، سه چالش اصلی او در مسیر انتخابات مجدد بودند.

شکست در برابر ریگان و میراث سیاسی بحران ایران

در انتخابات ریاست‌جمهوری نوامبر ۱۹۸۰، کارتر در رقابت با رونالد ریگان از حزب جمهوری‌خواه شکست سنگینی متحمل شد. ریگان حدود ۵۱ درصد آرا را به دست آورد، درحالی که سهم کارتر حدود ۴۱ درصد بود. براساس یک نظرسنجی، در سال ۱۹۸۰، ۱۳ درصد رأی‌دهندگان بحران گروگان‌ها را از عوامل مهم تصمیم خود برای انتخاب رئیس‌جمهور معرفی کردند. پیامدهای سیاسی این دوره نیز قابل‌توجه بود. جمهوری‌خواهان در سه انتخابات ریاست‌جمهوری متوالی ۱۹۸۰، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ پیروز شدند و دوموکارت‌ها تا انتخابات ۱۹۹۲ نتوانستند دوباره کاخ سفید را تصاحب کنند؛ سه شکستی که به‌نوعی ریشه در ناکامی کارتر در حل‌وفصل نحوه مواجهه با ایران داشت.

ترامپ؛ تکرار تجربه کارتر در مواجهه با ایران؟

در زمان تسخیر لانه جاسوسی، خبرنگار واشنگتن‌پست در تهران، گزارشی با عنوان «بحران؛ تشدیدشده بر اثر تلاش برای جلب افکار عمومی داخلی» منتشر کرد. او در جمله‌ای قابل‌توجه، وضعیت آمریکا را چنین توصیف کرد: «یک ابرقدرت که نگران تبدیل شدن به غولی درمانده و بیچاره است.»عبارت pitiful, helpless giant یا غول درمانده و بیچاره در ادبیات سیاسی آمریکا پیشینه‌ای قدیمی‌تر داشت و پیش‌تر نیز برای توصیف نگرانی از تصویر قدرت آمریکا به‌کار رفته بود اما استفاده رندال از این تعبیر در گزارش تهران، نشان می‌دهد که بحران به مسئله‌ای فراتر از امنیت دیپلمات‌های آمریکایی تبدیل شده بود: مسئله، اعتبار و تصویر قدرت ایالات متحده در نگاه متحدان و رقبای جهانی بودوضعیتی را که آمریکا در آن ماجرا با آن مواجه بود، تنها می‌توان با وضعیت رئیس‌جمهور کنونی دولت تروریستی آمریکا، دونالد ترامپ مقایسه کرد که بعد از کارتر اولین رئیس‌جمهوری بود که می‌خواست مشکلات خود را از طریق نظامی پیش ببرد. تصمیم وی برای ورود به جنگ با ایران و تجاوز نظامی به خارج کشورمان، علاوه بر پیامدهای نظامی و سیاسی، هزینه‌های اقتصادی سنگینی برای جامعه آمریکا به‌همراه داشته و به یکی از موضوعات اصلی رقابت‌های سیاسی این کشور تبدیل شده است.براساس گزارش ۱۹ اکتبر ۲۰۲۶ خبرگزاری رویترز از نظرسنجی مشترک Reuters / Ipsos، تنها ۳۱ درصد آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ در مقام ریاست‌جمهوری را تأیید می‌کردند که پایین‌ترین میزان محبوبیت او در هر دو دوره ریاست‌جمهوری‌اش بودند؛ همچنین در همین نظرسنجی، ۶۸ درصد از عملکرد اقتصادی دولت او ناراضی بودنددر نظرسنجی منتشرشده در آسوشیتدپرس در اکتبر، ۶۹ درصد معتقد بودند جنگ با ایران ارزش جنگیدن نداشته است. دانشگاه کوئینیپیاک هم ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶ در یک نظرسنجی اعلام کرد که ۶۵ درصد از عملکرد ترامپ درباره ایران ناراضی بودند و محبوبیت کلی ترامپ ۳۳ درصد و میزان نارضایتی ۵۹ درصد است. نکته مهم‌تر، وضعیت رقابت دو حزب در انتخابات کنگره بود. در نظرسنجی مشترک Reuters / Ipsos در پاسخ به این پرسش؛ «اگر انتخابات کنگره همین امروز برگزار شود به کدام حزب رأی می‌دهید؟»، ۴۷ درصد دموکرات‌ها و ۳۵ درصد جمهوری‌خواهان را انتخاب کردند؛ اختلافی ۱۲درصدی که در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال جاری بی‌سابقه توصیف شد،

رویترز همچنین گزارش داد که محبوبیت ترامپ پس از صدور دستور حملات نظامی به ایران در فوریه ۲۰۲۶ تحت‌تأثیر قرار گرفته است. افزایش قیمت بنزین و فشار اقتصادی ناشی از جنگ، از عوامل مهم این کاهش محبوبیت بوده‌اند،

امتداد تجمعات شبانه تهران را در تالار بالشوی مسکو دیدیم

هفته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشور فدراسیون روسیه از روز دوم مهرماه 1405 کار خود را آغاز کرد؛ این هفته فرهنگی متشکل از برنامه‌های متنوع هنری از سوی هنرمندان کشورمان بود که با استقبال خوبی از سوی مردم این کشور روبه‌رو شد؛ استقبالی که می‌توان آن را ناشی از دوران جدیدی در عرصه ایران دانست؛ دورانی که از جنگ چهل‌روزه آغاز شده و مردم همه کشورها و از جمله این کشور تلاش می‌کنند نگاهشان به جمهوری اسلامی ایران متفاوت از گذشته باشد.بمناسبت این هفته فرهنگی، با دکتر عبدالرضا راشد رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در محل رایزنی فرهنگی کشورمان در مسکو درباره چندوچون برگزاری هفته فرهنگی و نگاه متفاوت مردم این کشور به ایران اسلامی گفتگو کردیم. معاونت امور بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، معاونت بین‌الملل مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مسئولیت وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در استانبول از سوابق آقای راشد است.

جناب آقای دکتر راشد، خوشحالیم که امروز در ساختمان رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشور فدراسیون روسیه در خدمت حضرت عالی هستیم. هفته فرهنگی ایران در کشور روسیه در چهار شهر به کار خود ادامه داد و در روزهای پایانی خود است؛ این رویداد را می‌توان بزرگ‌ترین رویداد برون‌مرزی ایران در دوران جدید، یعنی دوران پس از جنگ چهل‌روزه، برشمرد؛ به‌ویژه در عرصه فرهنگی. این رویداد که امروز شاهد آن بودیم، در این روزها چگونه می‌تواند فتح بابی باشد برای اینکه ما بتوانیم مسائل فرهنگی را در خارج از کشور به شکل‌های مختلف، خارج از آن چهارچوب‌های رسمی و دیپلماتیک خودش دنبال کنیم و چهره ایران را در جهان به‌گونه‌ای دیگر بازنمایی کنیم؟ راشد: بسم الله الرحمن الرحیم. از حضور جنابعالی و همکاران محترم تشکر می‌کنم. همان‌گونه که فرمودید، ما بعد از جنگ 12 روزه و جنگی که الان در آن قرار داریم، در سازمان فرهنگ و ارتباطات این موضوع را مورد بررسی قرار دادیم که چگونه می‌توانیم تصویری مناسب از وضعیت فعلی ایران اسلامی را در خارج از کشور ارائه دهیم. در یک جمع‌بندی به چهار یا پنج مسئله رسیدیم که از منظر بسترهای مناسب برای تصویرسازی جمهوری اسلامی حرکتی داشته باشیم؛ بحث گردشگری، مسئله ورزش، کتاب، صنعت سینما، زبان و ادبیات فارسی و بخش بعدی صنایع خلاق و صنایع دستی از جمله موضوعات بود.همه موارد به ما این را القا کرد که این موضوعات جملگی از جنس فرهنگ هستند و ما باید برای ارائه تصویر درست از جمهوری اسلامی ایران، از ابعاد فرهنگی به موضوع نگاه کنیم امروز در ترازوی روابط بین‌الملل، برای سنجش ابعاد و به اصطلاح تعمیق روابط دو کشور، صرفاً مباحث سیاسی و اقتصادی و امنیتی سنجیده نمی‌شود، بلکه در ترازوی فرهنگ، مانایی و پایدارسازی روابط دو کشور و هر کشور با کشورهای مختلف سنجیده می شود.

هفته فرهنگی را به عنوان یک رویداد تشریفاتی در نظر نگرفتیم

ما لاجرم باید به بخش فرهنگ روی بیاوریم و فرهنگ ماناترین تصویر را می‌تواند در اذهان ملت‌ها به جا بگذارد. از این رو، به عنوان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نقشه راهی را تنظیم کردیم و هفته فرهنگی را صرفاً به عنوان یک رویداد تشریفاتی و صوری خاص در نظر نگرفتیم، بلکه با نگاه ساختارسازی و جریان‌سازی برای تقویت روابط در ابعاد مختلف که بخش فرهنگ زیربنای آن می‌تواند باشد به آن نگاه کردیم.

نگاه مقامات و مردم روسیه به مقاومت جانانه ملت ایران چگونه است؟ ما دو جنگ را با ارتش‌های به اصطلاح بزرگی مثل ارتش تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی پشت سر گذاشتیم و این شاید باعث شد در تمام دنیا نگاه به ایران و نگاه به مردم ایران در حال تغییر باشد. در همین روسیه هم می‌شد در صحبت با مردم این کشور این مسئله را متوجه شد. این تغییر نگاه به مردم ایران را شما در مدتی که متصدی این مسئولیت شدید، چگونه ارزیابی



می‌کنید و در روابطی که با مردم این کشور داشتید، ارزیابی‌تان چه بود؟

راشد: اینکه نگاه به ایران، به مقاومت ایران، به مردم ایران در تمام جهان در حال تغییر باشد، در دو بعد من می‌توانم جواب سؤال شما را بدهم: یکی در بعد دولتی و ملاقات‌های رسمی که بنده به عنوان رایزن فرهنگی با افراد مختلف، با دیپلمات‌ها، با شخصیت‌های فرهنگی دارم. در تمامی ملاقات‌ها تمجید از مقاومت مردم ایران و تاب‌آوری مقاومت ایران را می‌ستایند و به زبان می‌آورند و گوشزد می‌کنند و آفرین به ما می‌گویند. در بعد مربوط به مردم هم این را ما در خیابان و در کوچه و بازار می‌بینیم. هر کجا حضور پیدا می‌کنیم، تا می‌دانند ما ایرانی هستیم، تقریباً سعی می‌کنند به یک نوعی ارادت خودشان را به مردم

ویل دورانت چه هشداری برای انسان امروزی دارد؟



انسان معاصر، در محاصره انبوهی از «خبر» زیست می‌کند، بی‌آن‌که نصیبی از «واقعه» برده باشد. بر ما لحظه‌ای نمی‌گذرد مگر آن‌که موجی از داده‌های خُرد، تصاویری از فروپاشی‌ها، جهش‌های فنی و گسست‌های تند سیاسی از برابرمان بگذرد؛ داده‌هایی بی‌ریشه و پیوندناپذیر که گویی از مداری نامعلوم پرتاب می‌شوند و در ذهن ما خاکستر بر جا می‌نهند. ما امروز بیش از هر دوران تاریخی، به واقعیت دسترسی داریم، اما شاید از هر نسلی نسبت به «فهمِ نسبت‌ها» بی‌بضاعت‌تریم. دانش، در چرخ‌دنده‌های تخصصی‌شدنِ مفرط، به مجمع‌الجزایری از تکنگاری‌های بی‌پیوند بدل شده است؛ و روانِ جمعی انسان، در تله زمان حال اسیر مانده است: نوعی «ابدیتِ کاذب در اکنون» که در آن گذشته، گورستانی است از خاطراتِ ازکارافتاده، و آینده، شبحی مبهم از هراس‌های فناورانه.

در چنین اقلیم فکری و تمدنی، بازگشت به یاد و کارنامه ویل دورانت (که در نوامبر ۱۹۸۱ جهان را پس از نزدیک به یک قرن زیستن ترک گفت)، یک ادای احترامِ تقویمی به یک نویسنده پرتیراژ نیست؛ فراخوانی است برای مواجهه با یک «موضع وجودی» در برابر تاریخ. پرسش بنیادینی که دورانت تمام عمر خویش از نگارش تاریخ فلسفه در جوانی تا اتمام مجلدات یازده‌گانه تاریخ تمدن کنار همسر و همندیش دیرینش، آریلییش پای انسان قرن بیستم نهاد، هنوز گلوی زمانه ما را می‌فشارد: آیا می‌توان بر فراز قله ایستاد و سرگذشت انسان را به‌مثابه یک «کلِ معنادار» به تماشا نشست، یا آن‌که محکومیم تاریخ را چون خُرده‌شیشه‌هایی پراکنده بر زمین، تنها در کف دست‌های خونین خویش مزمزه کنیم؟

بزرگ‌ترین خطایی که در حق ویل دورانت روا داشته شد، تقلیل دادن او به یک «روایت‌گرِ خوش‌قلم» یا یک «عامه‌پسندنویسِ پرکار» بود؛ انگی که بیش از همه از برج‌های عاج آکادمی‌های نیمه دوم قرن بیستم بر پیشانی او نشانده شد. آکادمی، با گرایش فزاینده به خُردورزی‌های آماری و مونوگرافی‌های ایزوله، تاب آن را نداشت که ببیند مردی بیرون از حصارهای بسته‌اش، با نثری که پهلو به استواریِ ادبیات می‌زند، تاریخ را از اسارتِ پاورقی‌ها آزاد کرده و به میان شهروندان آورده است. اما راز دورانت نه صرفاً در فصاحتِ قلم، بلکه در «خاستگاه فلسفیِ روش او» نهفته بود. دورانت شاگردِ اسپینوزا بود؛ او به معنای دقیقِ کلمه در سودای دیدن تاریخ sub specie aeternitatis (از منظر ابدیت) یا دقیق‌تر، sub specie totius (از منظر کُل) می‌سوخت. برای او، فلسفه چیزی جز «چشم‌انداز جامع» نبود؛ کوششی عقلانی برای ترکیبِ آنچه علوم تجربی و انسانی تجزیه کرده‌اند. هنگامی که فیلسوف پای در ساحت تاریخ می‌نهد، تاریخ دیگر فهرستِ جنگ‌ها، عهدنامه‌ها و جلوس و سقوط پادشاهان نیست؛ تاریخ، میدانِ تجسدِ اندیشه‌ها در گوشت و پوستِ جوامع می‌شود.

تعریف درخشان او از تمدن، گواه این مدعاست: «تمدن، نظمی اجتماعی است که در بستر آن، آفرینش فرهنگی میسر می‌شود.» در این تلقی، نظم، امنیت و اقتصاد نه غایتِ وجودیِ جامعه، بلکه شرطِ امکانِ بروزِ «معنا، هنر، اخلاق و دانایی»اند. جامعه‌ای که مهد ثروت‌های بی‌پایان و تسلیحاتِ هراس‌انگیز باشد اما فضایی برای زایشِ پرسش، شعر و فضیلت نگشاید، در منطق دورانت هنوز از مرزهای بربریتِ آراسته عبور نکرده است. او با پیوند زدنِ ساختار اقتصادی به تپش‌های فکری و روانیِ طبقات گوناگون، نشان داد که سرنوشت یک قوم در پارلمان‌ها و میادین نبرد رقم نمی‌خورد، بلکه در خانه‌ها، کارگاه‌ها، خلوتِ متفکران و در اعماق باورهایی ساخته می‌شود که آدمی بر اساس آن‌ها شرم می‌کند یا شجاعت می‌ورزد.امروز، نقد تاریخ‌نگاریِ آکادمیک بر دورانت از جهاتی قابل فهم است: کارِ سترگی که او و آریل در دامنه‌ای به وسعت شرق باستان تا ناپلئون بناپارت بر دوش گرفتند، بی‌تردید در برخ فصول از فرضیاتِ بازنگری‌شده امروز عقب می‌ماند؛ در جاهایی غلبهٔ نگاه اروپامحورِ زمانه‌اش به چشم می‌خورد و در فصولی، وزنِ ادبیِ روایت بر موشکافیِ سندی می‌چربد. این‌ها هزینه‌های گزافِ پروژهٔ «ترکیب» (Synthesis) در برابر «تجزیه» (Analysis) است.

اما مسئله اینجاست: هزینه‌ای که ما امروز برای پرهیز از این اشتباهات می‌پردازیم، چیست؟ هزینهٔ آن، پناه بردن به نوعی «نابینایی فراگیر» است. متخصصِ دورانِ متأخرِ فلان سلسله، هیچ تصویری از منطقِ زوالِ امپراتوری‌های مجاور ندارد؛ جامعه‌شناس از فلسفهٔ هنرِ عصر بی‌خبر است و اقتصاددان انسان را ماشینِ محاسبه‌گرِ فارغ از اسطوره می‌انگارد. در این میان، چه کسی وظیفه دارد میان تکه‌های ازهم‌گسیختهٔ روح انسان پیوند برقرار کند؟پاسخ دورانت روشن بود: مورخ ترکیبی. او خطرِ لغزش در جزئیات را به جان خرید تا ضرورتِ ادراکِ کلان از دست نرود. دورانت تاریخ را نه به‌سان یک علم سخت بی‌طرف (که توهمی برآمده از پوزیتیویسم قرن نوزدهم بود)، بلکه به‌مثابهٔ «خودآگاهیِ تجربی نوع بشر» می‌دید؛ بستری که در آن انسان، از طریق خطاهای مکرر خویش، تمرینِ بلوغ می‌کند. در غیاب چنین روایتی، جوامع مدرن یا به ورطهٔ نیهیلیسم بی‌ریشه سقوط می‌کنند و یا طعمهٔ روایت‌های جعلی، فاشیستی و بنیادگرایانه‌ای می‌شوند که خلأ معنا را با اسطوره‌های خون و خاک پر می‌کنند.در اثری درخشان و فشرده که دورانت‌ها پس از پایان دورهٔ یازده‌جلدی منتشر ساختند درس‌های تاریخ (۱۹۶۸)عصارهٔ این سلوکِ فکری به عریان‌ترین شکل رخ می‌نماید. او در آنجا تمدن را نه خطی مستقیم به سوی بهشتی موعود، بلکه توازنی شکننده و لرزان میان غریزه‌های کهن زیستی و ترمزهای ظریف اخلاقی می‌داند.

دورانت به ما گوشزد می‌کند که طبیعت، هیچ اعتنایی به ادعاهای برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانهٔ ما ندارد؛ طبیعت تفاوت می‌آفریند و این فرهنگ و قانون است که می‌کوشد آن نابرابری‌های بی‌رحمانه را تعدیل کند. او به یادمان می‌آورد که آزادیِ مفرط، همواره نطفهٔ استبداد را در دل خود پرورش می‌دهد، و تمرکزِ بیش از اندازهٔ ثروت، تاریخ را بر سر دوراهی همیشگیِ «بازتوزیع از طریق قانون» یا «تخریب از طریق شورش» می‌نشاند.

این احکام، پیش‌گویی‌های رازآلود نیستند؛ حاصلِ تورقِ هزاران سال آزمون و خطای آدمی‌اند. وقتی به بحران‌های کنونی جهان می‌نگریما ز افول دموکراسی‌های لیبرال و خیزش دوبارهٔ اقتدارگرایی‌های ناسیونالیستی تا شکاف‌های فاحش طبقاتی در عصر سرمایه‌داریِ پلتفرمیدرمی‌یابیم که ما بر مدارهای تازه‌ای از تکرار همان الگوهای کهن می‌چرخیم. دورانت به ما یادآوری می‌کند که انسانِ قرن بیست‌ویکم، با وجود موشک‌های هدایت‌پذیر و هوش مصنوعی، هنوز همان ساختار غرایز و تعصباتی را با خود حمل می‌کند که انسانِ عهد سومر یا آتن باستان در سینه داشت؛ تنها تفاوت این است که امروز، ابزارهای انهدام به غایت کارآمدتر و ویرانگرتر شده‌اند.

مقاومت، مرگ خواهی نیست؛ پاسخ بیژن عبدالکریمی به نقدهای احمد زیدآبادی



احمد زیدآبادی و بیژن عبدالکریمی در مناظره ای درباره ی سرنوشت جنگ و آینده ی ایران، بر سر یک پرسش بنیادین رودرروی هم ایستادند: مقاومت تا انتها یا مذاکره و توافق؟ زیدآبادی هشدار داد تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» کشور را به نابودی زیرساخت ها و از دست رفتن استقلال ملی می کشاند؛ عبدالکریمی در برابر، مذاکره بدون پشتوانه میدان را توهمی روانشناختی خواند و تاکید کرد «مقاومت برای توسعه، استقلال و زندگی است، نه مرگ خواهی».بیژن عبدالکریمی ایران را در یکی از سرنوشت‌سازترین مراحل تاریخی خود دانست و گفت آینده کشور با آینده جنگ ایران و آمریکا و اسرائیل پیوند خورده است. به گفته او دو امکان در برابر ماست: یا حاکمیت و استقلال ملی حفظ می‌شود و ایران به قدرت منطقه‌ای و بازیگر فعال جهانی تبدیل می‌شود و در مسیر توسعه حقیقی و نوزایش تمدنی قرار می‌گیرد، یا کشور به سمت از دست رفتن حاکمیت ملی، خطر تجزیه، فرسایش سرزمینی و جنگ داخلی می‌رود. او نحوه ادامه جنگ، مدیریت جنگ و شیوه پایان‌بخشی به آن را یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین سرنوشت کشور خواند، هرچند یگانه عامل ندانست و به نقش عوامل اجتماعی، سیاسی، حاکمیتی و دیپلماتیک هم اشاره کرد.زیدآبادی وضعیت کنونی را «نه جنگ و نه صلح» توصیف کرد که هیچ‌کس آن را نمی‌خواهد و گفت این وضعیت قرار است به صلح منجر شود یا به جنگ. او هشدار داد تداوم این وضعیت، کشور را به سمت نابودی زیرساخت‌ها و از دست رفتن استقلال ملی می‌برد و پرسید اگر رئیس مملکت با اختیار تام باشیم، برای حل مشکل کشور چه باید کرد.

مقاومت؛ استراتژی نجات است یا رمانتیسیسم سیاسی؟

زیدآبادی سیاست را نیازمند استراتژی دانست و گفت بدون استراتژی، همه حرفها شعاری و بی‌فایده است. او دوگانه مقاومت/مذاکره را «از اساس باطل» خواند و گفت در هیچ جای تاریخ نداریم که دولتی با دولت دیگر یا جنبشی با نیروی مخالفش اصل مذاکره را نفی کرده باشد و آن را به اتهاماتی مانند «بازی در زمین دشمن» یا «خیانت» تبدیل کند. او مقاومت مشروع در برابر تجاوز را پذیرفت و گفت به چهره‌هایش احترام می‌گذارد، اما بحث را بر سر استراتژی دانست.عبدالکریمی تصویری را که مقاومت را «مازوخیست»، «بیمار جنگ‌طلب» و «عاشق شهادت و بیگانه با زندگی» نشان می‌دهد، حرف مزخرف خواند و گفت مقاومت برای توسعه، استقلال، منافع اقتصادی مردم و زندگی است. او گفت دوستان اصلاح‌طلب مدعی‌اند جنگ دائمی و فروپاشی ایران را نمی‌خواهند، اما در عمل توهم سیاسی را به نام «رئالیسم سیاسی» به خورد ملت می‌دهند.

آیا دوگانه مقاومت و مذاکره از اساس باطل است؟

زیدآبادی ساخت دوگانه مقاومت/مذاکره را از اساس بی‌پایه دانست و گفت سیاست یعنی کشورداری و حفظ کشور؛ دیپلماسی همیشه بخشی از سیاست خارجی بوده و تنها ابزار دیپلماسی هم مذاکره است.

عبدالکریمی نیز دوگانه کاذب را رد کرد و گفت خودش آمده این دوگانه را بشکند. به گفته او دو قطب مذاکره‌گرای مطلق و مقاومت‌گرای مطلق وجود ندارد و بحث بر سر این است که میان مذاکره و مقاومت چه نسبتی برقرار شود. او مذاکره را ابزاری در خدمت میدان دانست و گفت مقاومت نمی‌گوید مذاکره نکن، می‌گوید با دست پر سر میز مذاکره باش.

زیدآبادی با اشاره به اینکه آمریکا «پنجاه کشور» و «غول نظامی» است، گفت اگر بخواهیم قدرت را به اندازه آمریکا کنیم و بعد بجنگیم، این قدرت هرگز به اندازه آمریکا نمی‌شود و جنگ، قدرت را برابر نمی‌کند. او با یادآوری خسارات جنگ چهل روزه از شهادت فرماندهان تا آسیب به بیش از سه هزار و پانصد شهروند و اصابت به دهها هزار هدف گفت این تجربه نشان داد که ادامه رویارویی، قدرت کشور را افزایش نمی‌دهد. عبدالکریمی با تأکید بر اینکه «هیچ کشوری فاقد قدرت نیست و هیچ کشوری هم قدرت مطلق نیست»، پرسید نتیجه اجرایی این حرف چیست و کارت بازی ایران پای میز مذاکره کدام است. او پرسید چرا در گفتمان مذاکره‌گرا، اهمیت تنگه هرمز و پیشروی دستان ایران تا دریای مدیترانه و باب‌المندب دیده نمی‌شود.؟

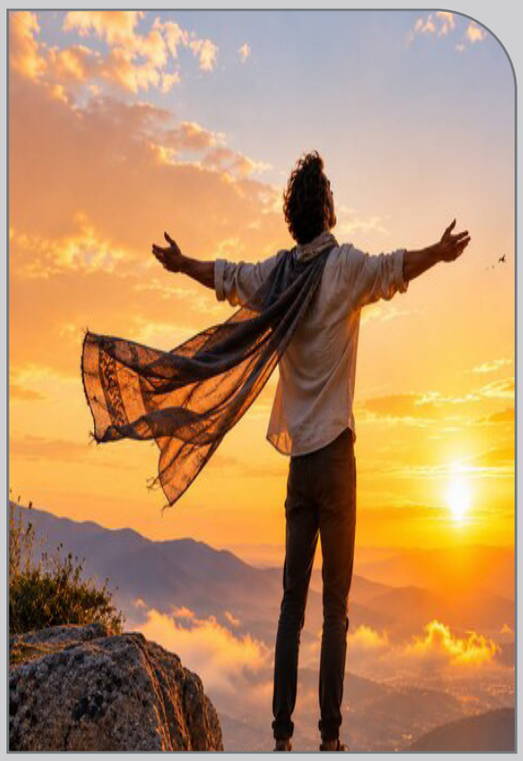
برق، آب، بنزین؛ آیا زدن زیرساخت ها یک فاجعه نظامی است؟

زیدآبادی هشدار داد اگر منابع برق را بزنند، برق چیزی نیست که فردا بتوان منبع دیگری برایش ساخت و حداقلش ماهها طول می‌کشد؛ در بی‌برقی کامل، مردم در آپارتمان‌ها محبوس می‌شوند، پمپ آب کار نمی‌کند، بنزین از بین می‌رود و مردم نه امکان جابه‌جایی دارند و نه آب و برق. او این وضعیت را «فاجعه تمام‌عیار انسانی» خواند و گفت تنها دو گروه در میان ایرانیان نسبت به زدن زیرساخت‌ها بی‌تفاوت بودند: بخشی از سلطنت‌طلب‌ها و براندازها.عبدالکریمی گفت هرکسی می‌داند جنگ هزینه دارد، اما آنچه مردم را عصبانی می‌کند، هزینه جنگ نیست، تقسیم ناعادلانه هزینه‌هاست؛ عده‌ای جان می‌دهند و در میادین‌اند، عده‌ای کارمندند و تورم دو رقمی لهشان می‌کند و عده‌ای در همین شرایط ثروت انباشت می‌کنند. او گفت اینکه امروز ایران غزه نیست و با وجود تورم دو رقمی زندگی جاری است و مردم جابه‌جایی جمعیت ندیده‌اند، بخشی از نتیجه مقاومت است.

«با دست پر بر سر میز مذاکره باش»، مذاکره بدون قدرت چه معنایی دارد؟ عبدالکریمی میز مذاکره بدون قدرت را «یک امر روان‌شناختی» خواند؛ جایی که برویم، بخندیم و شیرینی بگذاریم تا مشکلات حل شود. او رابطه ایران و آمریکا را رابطه‌ای ساختاری و حاصل مناسبات نظام سلطه دانست، نه امری جریانی، و گفت نفس مذاکره ساختار تهدید و پایگاه‌های آمریکایی را تغییر نمی‌دهد.

زیدآبادی گفت هیچ کشوری در دنیای امروز فاقد قدرت نیست و هیچ کشوری هم صاحب همه قدرت‌ها نیست؛ ایران با وسعت، جغرافیا، جمعیت و امکاناتش چیزی برای گفتن پای میز مذاکره دارد و نشستن پشت میز مذاکره به معنای ضعف نیست.

برجام، آتش بس پاکستان، مصدق؛ تضمینی اجرای توافق را چه کسی می دهد؟ عبدالکریمی پرسید: چه تضمینی وجود دارد که آمریکا و اسرائیل به تعهداتشان عمل کنند؟ و گفت مردم حافظه تاریخی تلخی از زمان مصدق تا برجام و آتش‌بس پاکستان دارند که با چند برچسب حذف نمی‌شود.زیدآبادی گفت تضمین مطلق در دنیا وجود ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند چنین تضمینی بدهد؛ روزانه دهها و صدها توافق بین کشورها امضا می‌شود که هیچ‌کدام قابل اعتماد مطلق نیستند و هر آن ممکن است به هم بزنند، اما نمی‌توان روابط خارجی را بر این اساس بنا کرد. او گفت در مذاکره، منافع دوجانبه و مشترک تعیین‌کننده است، نه تضمین مطلق.بیژن عبدالکریمی اصلاح‌طلبان و چهره‌هایی مثل زیدآبادی را متهم کرد که دست و پای مقاومت را قطع می‌کنند، سبب استمرار جنگ و جری‌تر شدن طرف مقابل می‌شوند، اجازه شکل‌گیری روابط با چین و روسیه را ندادند و روابط با دیگر کشورها را تخریب کردند؛ از نگاه او همین‌ها عامل از بین رفتن زیرساخت‌ها هستند.



آیا انسان امروز آزاد است؟

«آزادی» همان مفهومی است که بسیاری از تعارض‌ها و تناقض‌های بشری در طول ادوار مختلف به آن بازمی‌گردد. چه آن زمانی که آدمی از حیث پایبندی به قوانین و مقررات زندگی اجتماعی در قیدوبند کمتری بود و چه امروز که این مفهوم در پیچیده‌ترین حالات و در جزئی‌ترین روابط و رفتارها نیز چارچوبی نوشته و نانوشته را پیش روی بشریت قرار می‌دهد. آزادی همواره یکی از موضوعات مهم علوم اجتماعی و انسانی بوده است؛ از فلسفه گرفته تا دین، همواره انسان‌ها نگاه متفاوتی به مقوله آزادی داشته‌اند. برداشت‌ها و تعاریف متفاوت، اولین قدمی بود که اندیشه و نگرش افراد را متمایز می‌کرد. عده‌ای آن را رهایی از محدودیت‌ها و قیود و عده‌ای آن را با نگاهی معنوی به انتخاب آگاهانه و رهایی انسان از اسارت درون و بیرون مرتبط می‌کردند.

آزادی مفهومی فراتر از انتخاب‌های روزمره

شاید در دنیای امروز آزادی بیشتر از یک مفهوم فلسفی و عمیق به موضوعی تجربی و روزمره تبدیل شده است. تجربه آزادی افراد به انتخاب سبک زندگی، پوشش و تصمیم‌گیری برای زندگی‌شان محدود می‌شود، آنچه که گاه مرزهای قواعد و قوانین را نیز درمی‌نوردد و آزادی را به معنای خارج شدن از اجبار و سلطه سیاسی و اجتماعی می‌کشاند. موضوعی که در دهه‌های قبل و شاید سده‌های گذشته بیشتر متمرکز بر عقاید و آزادی بیان می‌شد.

اگر از گروهی سؤال شود که آیا دوست دارند آزاد باشند، قطعاً پاسخ آنان بله است. اما موضوع دقیقاً جایی محل مناقشه است که در مورد ابعاد و چگونگی آن سؤال شود. حتی سؤال بر سر اینکه آیا انسان آزاد است هر کاری که می‌خواهد انجام دهد یا نه.

باروخ اسپینوزا معتقد بود بسیاری از انسان‌ها تصور می‌کنند آزادند، در حالی که رفتارشان تحت تأثیر احساسات، ترس‌ها، خشم‌ها و خواسته‌هایی قرار دارد که خودشان به‌درستی از علت آن‌ها آگاه نیستند. از نظر او، هرچه انسان بیشتر جهان، خودش و علت اتفاقات را بشناسد، کمتر تحت سلطه هیجان‌ها و عوامل ناشناخته قرار می‌گیرد و آگاهانه‌تر رفتار می‌کند. برای مثال، کسی که در موقعیت دشوار فقط از روی ترس تصمیم می‌گیرد، ممکن است تصور کند انتخاب کرده است؛ اما در واقع ترس بر تصمیم او مسلط بوده است. شناخت علت ترس و درک شرایط می‌تواند قدرت انتخاب آگاهانه‌تری به او بدهد.

اسپینوزا با نگاهی درونی به مسئله شناخت خود و تسلط بر هیجانات، آزادی را در درون جست‌وجو می‌کرد. یا ژان پل سارتر معتقد بود انسان برخلاف اشیا، ماهیتی کاملاً از پیش تعیین‌شده ندارد، بلکه با انتخابها و رفتارهایش شخصیت و هویت خود را می‌سازد. انسان حتی وقتی از انتخاب کردن فرار می‌کند، در واقع نوعی انتخاب انجام داده است. بنابراین آزادی با مسئولیت همراه است و فرد نمی‌تواند تمام تصمیم‌هایش را به شرایط محیطی یا دیگران نسبت دهد.

این نگاه به آزادی درونی و بیرونی، خود دریچه‌ای برای پی بردن به افکار و جهان اندیشه‌ای هر فرد است. چنانچه فارابی نیز آزادی را صرفاً به معنای رهایی از محدودیت‌ها نمی‌دانست. در اندیشه او، انسان برای رسیدن به سعادت حقیقی به عقل، معرفت و زندگی اجتماعی نیاز دارد. او جامعه‌ای را مطلوب می‌داند که در آن انسان‌ها برای رسیدن به سعادت و کمال یاری می‌شوند. بنابراین آزادی نیز باید در ارتباط با هدف زندگی انسان و حرکت او به سوی سعادت فهمیده شود. از این منظر، اگر فردی صرفاً بر اساس خواسته‌های نفسانی خود رفتار کند، لزوماً به آزادی حقیقی و سعادت نرسیده است.

با این تفاسیر است که هر کس می‌تواند پاسخ منحصر به فردی به این سؤال بدهد که آیا او آزاد است یا آزادی وجود دارد. باید گفت همه چیز به خود ما بازمی‌گردد. تعریف ما از هستی چیست و همین تعریف، آزادی ما را می‌سازد. ملاصدرا انسان را موجودی ثابت و ایستا نمی‌داند، بلکه معتقد است وجود انسان در حال حرکت و تکامل است. انسان در طول زندگی با انتخاب‌ها و اعمال خود می‌تواند به مراتب بالاتری از کمال برسد یا از مسیر رشد فاصله بگیرد. از منظر او، آزادی به توانایی انسان برای حرکت آگاهانه در مسیر تکامل مربوط می‌شود. انتخاب‌های انسان صرفاً رفتارهای مقطعی نیستند، بلکه در شکل‌گیری شخصیت و حقیقت وجودی او تأثیر می‌گذارند.

در این میان، ایمانوئل کانت نیز با نگاهی متفاوت، آزادی را به مسئله عقل و خودفرمانی انسان پیوند می‌زند. از نظر او، آزاد بودن به معنای انجام دادن هر کاری که انسان میل دارد نیست؛ بلکه انسان زمانی به آزادی حقیقی نزدیک می‌شود که بتواند بر اساس عقل و اصول اخلاقی تصمیم بگیرد. انسانی که تمام رفتارهایش تحت تأثیر تمایلات و خواسته‌های لحظه‌ای قرار دارد، در واقع هنوز از سلطه امیال خود رها نشده است. کانت آزادی را در توانایی انسان برای قانون‌گذاری عقلانی برای خویشتن می‌دید؛ به این معنا که انسان به جای پیروی صرف از خواسته‌های بیرونی و درونی، بتواند با تکیه بر عقل، مسیر رفتار خود را تعیین کند.



تشدید اختلاف بین نتانیاهو و زامیر درباره ایران

رسانه‌های رژیم صهیونیستی از تشدید اختلاف نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و رئیس ارتش اشغالگر درباره گزینه‌های پیش رو در قبال ایران خبر دادند.

به نقل از المیادین، شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد که اختلافات میان بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این رژیم و ایال زامیر، رئیس ستاد کل ارتش اشغالگر، درباره گزینه های پیش روی این رژیم در قبال ایران بار دیگر شدت گرفته است.

بر اساس گزارش این رسانه صهیونیستی، ایال زامیر معتقد است عملیاتی که نتانیاهو خواستار انجام آن علیه ایران است، فاقد احتیاط لازم هستند.

روزنامه نیویورک تایمز اخیرا به نقل از مسئولان صهیونیست گزارش داد که اختلافات بنیامین نتانیاهو با ایال زامیر بر سر تجاوز به ایران قبل از انتخابات پارلمانی حقیقت داشته است.

طبق گزارش نیویورک تایمز، زامیر با اجرای تجاوز مد نظر نتانیاهو قبل از انتخابات کنست مخالفت و درباره اعمال فشارها از سوی نتانیاهو برای دست زدن به اقدامی علیه ایران به صورت مستقل ابراز نگرانی کرده بود. زامیر معتقد بود که چنین اقدامی اشتباه است و می تواند باعث حمله ایران به اراضی اشغالی شود.

بحران تنگه چگونه قفسه داروخانه‌های لندن و نیویورک را خالی کرد؟



بحران ژئوپولیتیک و درگیری‌های نظامی فزاینده در خاورمیانه در ماه‌های نخست سال ۲۰۲۶، جهان را با یکی از پیچیده‌ترین، عمیق‌ترین و مخرب‌ترین شوک‌های زنجیره تأمین در تاریخ اقتصاد مدرن مواجه کرده است.

۱. کالبدشکافی اثرات ژئوپولیتیک انسداد تنگه هرمز بر زنجیره تأمین و دسترسی به دارو در اروپا، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا (سال ۲۰۲۶)
بسته شدن عملی و انسداد تنگه هرمز در پی جنگ میان اسرائیل و ایالات متحده آمریکا و ایران شباهت‌های تاریخی انکارناپذیری با بحران نفتی و تحریم‌های اعراب در پی جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ دارد. در آن زمان، حمایت ایالات متحده از اسرائیل منجر به تحریم نفتی اعراب شد که اقتصاد آمریکا، ژاپن و چندین کشور اروپایی را فلج کرد. با این تفاوت بنیادین که در سال ۲۰۲۶، این شوک تنها به بازار انرژی و سوخت محدود نماند، بلکه شریان‌های حیاتی بهداشت و درمان جهانی، به‌ویژه زنجیره تأمین داروی اروپا (به‌طور خاص بریتانیا) و ایالات متحده آمریکا را به شکلی بی‌سابقه هدف قرار داد. انسداد تنگه هرمز، گلوگاهی که در شرایط عادی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد از تجارت دریایی نفت خام جهان از آن عبور می‌کند، آسیب‌پذیری ساختاری سیستم‌های دارویی مبتنی بر مدل «تأمین به‌موقع» (Just-in-Time) را در مقیاسی جهانی برملا کرداین گزارش با بررسی دقیق داده‌های آماری، مستندات میدانی، تحلیل‌های اقتصادی و اعترافات بی‌پرده مقامات و متخصصان حوزه بهداشت و درمان، به کالبدشکافی این مسئله می‌پردازد که چگونه بسته شدن تنگه هرمز در خلیج فارس، به بحران کمبود و گرانی دارو در قفسه داروخانه‌های لندن و نیویورک تبدیل شد و آیا این ادعا که دسترسی به دارو در غرب تحت تاثیر قرار گرفته است، پایه‌های علمی و مستند دارد یا خیر. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش مطلقاً مثبت است و پیامدهای آن فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه بوده است.

۲. معماری زنجیره تأمین جهانی دارو؛ پیوند نفت، لجستیک و مواد مؤثره (APIs)
برای درک چگونگی تأثیر مسدود شدن یک آبراه استراتژیک نفتی بر کمبود دارو در داروخانه‌های کشورهای توسعه‌یافته، نیازمند تشریح و بررسی دقیق زنجیره تأمین پیچیده، چندملیتی و به‌هم‌پیوسته صنعت داروسازی هستیم. این وابستگی متقابل از سه مسیر اصلی و حیاتی اعمال می‌شود که هر یک در جریان بحران سال ۲۰۲۶ دچار فروپاشی یا اختلال جدی شدند.

۲,۱. وابستگی پنهان اما مطلق داروسازی به صنعت پتروشیمی
صنعت داروسازی مدرن، به‌خلاف تصور عمومی که آن را صرفاً یک صنعت بیولوژیک یا شیمیایی مستقل می‌داند، وابستگی مطلقی به مشتقات نفتی دارد. نفت خام پایه و اساس تولید مواد شیمیایی مورد نیاز برای ساخت مواد مؤثره دارویی (Active Pharmaceutical Ingredients – APIs) است. بسیاری از حلال‌ها، معرف‌ها و مواد غیرفعال حیاتی در فرمولاسیون داروها، مانند گلیسیرین و مشتقات فنل، مستقیماً از فرآیندهای پتروشیمیایی به دست می‌آیند.
علاوه بر خود ساختار شیمیایی دارو، سیستم‌های تحویل، توزیع و بسته‌بندی نیز به شدت به محصولات پتروشیمی وابسته‌اند. ویال‌های پلاستیکی، ورقه‌های قرص (بسته‌های بلیستر)، سرنگ‌های یکبارمصرف و کیسه‌های سرم (IV) تماماً از مشتقات نفتی تولید می‌شوند.

فشارهای چندلایه واشنگتن بر بغداد

با فرارسیدن پایان ماه سپتامبر ۲۰۲۶، پس از چند سال کش‌وقوس خروج نظامیان تروریست آمریکایی ها از عراق نهایی و نیروهای نظامی این کشور از آخرین پایگاه عملیاتی در اربیل خارج شدند. این رخداد گامی مهم در مسیر احیای سیادت و حاکمیت ملی عراق معرفی شد؛ اما به باور بسیاری از ناظران پایان حضور نظامی آمریکا در عراق به معنای پایان نفوذ واشنگتن بر این کشور نیست، چرا که ابزارهای سیاسی، مالی، امنیتی و تحریمی همچنان به آمریکا امکان اثرگذاری بر تصمیم‌های دولت عراق را می‌دهد.خروج نیروهای موسوم به ائتلاف بین المللی از عراق به رهبری آمریکا بر اساس توافق سال ۲۰۲۴ نهایی شد؛ اما آنچه در عمل پایان یافت مأموریت نظامی ائتلاف در عراق بود، نه رابطه امنیتی و سیاسی بغداد و واشنگتن. در همین راستا پنتاگون مدعی ادامه همکاری دوجانبه، آموزش و پشتیبانی اطلاعاتی از نیروهای عراقی شده است. البته واشنگتن در کنار این همکاری‌ها، همچنان اهرم‌هایی برای اثرگذاری بر محاسبات بغداد دارد.

یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها، دخالت واشنگتن در پرونده انتخاب نخست‌وزیر جدید عراق بود. چارچوب هماهنگی شیعیان عراق پس از پیروزی در انتخابات سال گذشته پارلمان عراق پس از بحث و رایزنی ها تصمیم به معرفی نوری المالکی به عنوان نخست وزیر منتخب به پارلمان عراق گرفت. دونالد ترامپ بعد از اطلاع از این موضوع با اعلام مخالفت و ناخرسندی خود و فشار بر دولت مرکزی عراق اعلام کرد در صورت انتخاب نوری المالکی آمریکا همکاری و کمک‌های خود به بغداد را متوقف خواهد کرد. چارچوب هماهنگی هم به ناچار پس از بررسی شرایط جدید حاکم بر روابط بغداد- واشنگتن، علی فالح الزیدی، یک فعال اقتصادی را به عنوان نخست وزیر معرفی کرد و پارلمان عراق نیز به او رای اعتماد داد، امری که در عمل با استقبال ترامپ روبرو شد تا جایی که رئیس جمهور آمریکا بلافاصله از ترامپ برای سفر به واشنگتن دعوت به عمل آمد.

درآمدهای نفتی و اهرم دلار

با وجود گذشت بیش از دو دهه از سقوط رژیم بعث تحت زعامت صدام حسین کنترل درآمدهای نفتی عراق همچنان در اختیارآمریکا قرار دارد و به حساب بانکی فدرال رزرو در نیویورک واریز می شود. عراق به جز بحث واردات برای کنترل بازار داخلی ارز هم به ارسال فیزیکی محموله‌های دلار از آمریکا وابسته است. واشنگتن به راحتی می‌تواند با عدم ارسال یا تاخیر در ارسال به بهانه‌های مختلف بازار ارز این کشور را دچار آشفتگی کند؛ کما این که در آوریل ۲۰۲۶ نیز دولت ترامپ ارسال یک محموله ۵۰۰ میلیون دلاری به مقصد بانک مرکزی عراق را با تاخیر مواجه کرد تا دولت بغداد را به پذیرش خواسته خود وادار کند. تحریم برخی بانک‌های عراقی و محدود کردن دسترسی آن‌ها به دلار نیز ابزار دیگری است که واشنگتن در اختیار دارد.

نقض حریم هوایی عراق توسط جنگنده‌های آمریکایی

بغداد چندین مرتبه اعلام کرده اجازه نخواهد داد خاک و آسمان عراق برای تهدید همسایگان به کار گرفته شود.با وجود ترک خروج نظامیان تروریست آمریکایی از عراق، ارتش این کشور و رژیم صهیونیستی به دفعات مکرر حریم هوایی عراق را نقض کرده و به تهدید مرزهای ایران پرداخته‌اند. عراق در تاریخ ۲ مه ۲۰۲۶ نامه‌ای رسمی خطاب به آنتونیو گوترش دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل ارسال و اعلام کرد که در فاصله ۸ تا ۲۷ آوریل ۲۰۲۶، حریم هوایی این کشور «بارها» توسط جنگنده‌ها، پهپادها، هواپیماهای سیستم هشدار و کنترل هوایی (AWACS) و هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی نقض شده است. پیش از این و در جریان دو جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل علیه ایران نیز حریم هوایی عراق بدون رضایت دولت این کشور بارها توسط جنگنده‌ها و پهپادهای آمریکایی برای حمله به ایران است.

بستن فرودگاه‌ها و مرزهای هوایی و زمینی

پس از به نتیجه نرسیدن سیاست محاصره دریایی آمریکا علیه ایران، دولت ترامپ به فشار به همسایگان روی آورد تا ارتباطات اقتصادی خود را با ایران محدود یا قطع کنند. در همین راستا و با فشار آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۶ فرودگاه‌های عراق برای پروازهای ایرانی بسته شد، زیرا واشنگتن تهدید کرده بود فرودگاه‌های خدمات‌دهنده به شرکت‌های هواپیمایی ایرانی را تحریم می‌کند.این تصمیم دولت عراق با اعتراضات زیادی همراه شد. پس از مدت کوتاهی تنها فرودگاه نجف یک معافیت برای پروازهای ایرانی از آمریکا دریافت کرد، اما واشنگتن حتی به این حد هم قانع نبود و مدتی بعد به فشار بر دولت مرکزی بغداد برای بستن مرزهای عراق روی آورد که در نتیجه آن تاکنون مرز چذابه از سمت عراق بسته شده که با اعتراضات مردم استان میسان و بستن برخی جاده‌ها همراه شده است. این امر مشکلات اقتصادی زیادی برای مردم عراق به همراه آورده است و کارتا جایی بالا گرفت که شورای استانداری میسان عراق برای دولت الزیدی ضرب العجل تعیین کرد.

ادامه تعطیلی مرز چذابه؛ خطونشان اهالی میسان برای الزیدی

خروج نیروهای آمریکایی از عراق اتفاقی مهم است، اما نباید آن را پایان نفوذ واشنگتن قلمداد نمود. آمریکا مأموریت ائتلاف را پایان داده، اما همچنان از طریق درآمدهای نفتی، دسترسی به دلار، تحریم بانک‌ها، همکاری امنیتی و فشار سیاسی بر تشکیل دولت ابزارهایی برای اثرگذاری در اختیار دارد. انتخاب نخست‌وزیر، توقف محموله اسکناس دلار، محدودیت پروازهای ایران و تردد از گذرگاه های مرزی زمینی همچون چذابه نمونه‌هایی از این واقعیت‌اند.چالش اصلی پیش روی دولت و ملت عراق از این پس فقط خروج نیروهای خارجی نیست؛ بلکه توانایی دولت مرکزی این کشور برای کاهش وابستگی‌های مالی و امنیتی به آمریکا و تبدیل حاکمیت رسمی به صلاحیت واقعی در تصمیم‌گیری است. تا زمانی که ثبات اقتصادی و امنیتی این کشور به سازوکارهایی وابسته باشد که واشنگتن بر آن‌ها نفوذ دارد، پایان حضور نظامی لزوماً به معنای پایان نفوذ و اعمال فشار آمریکا نخواهد بود.



سناریوی جنگ هزینه مرگبار برای آمریکا

معادلات نظم منطقه‌ای حاکم بر منطقه غرب آسیا با وقوع جنگ میان ایران و اسرائیل در خرداد ۱۴۰۴ و پشتیبانی موثر آمریکا در میدان نبرد، دچار دگردیس شد و نوع محاسبات امنیتی، نظامی در خاورمیانه تغییر شگفتی را به خود دید و در نهایت در جنگ رمضان این توازن به طور کلی دچار تحول شدپس از آن در جنگ رمضان و با حمله مستقیم ماشین جنگی ایالات متحده آمریکا به ایران، به تدریج دیگر ابعاد تاثیرگذار بر معادلات تقابل نظامی از جمله ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک خود را بروز دادند. به عنوان نمونه با بسته شدن یکی از مهم‌ترین شریان‌های اصلی تجارت جهانی یعنی تنگه هرمز و در ادامه دریای سرخ، جهان روی دیگر تاثیرگذاری جنگ خاورمیانه‌ای را به خود دید.به عبارت دیگر برقراری امنیت در تنگه هرمز به عنوان متغیر مستقل بر روی دیگر متغیرها همچون امنیت غذایی در سطح جهانی، ترانزیت انرژی و ترازیت دیگر اقلام اساسی تأثیر می‌گذارد. با این حساب هرگونه اخلال در مسیر این آبراهه، مسیر اقتصاد جهانی را ناهموار می‌کند. بنابراین در طی ۸ ماهه گذشته، خلیج فارس با محاصره دریایی آمریکا علیه ایران و بسته بودن تنگه هرمز از سوی ایران، این آبراه بین‌المللی وضعیت با ثباتی را تجربه نکرده است. در ادامه این یادداشت سعی خواهیم کرد به دیگر ابعاد و تاثیرات سلبی سناریوی وقوع مجدد جنگ ایران و آمریکا بر روی اقتصاد جهانی بپردازیم.در طی چند ماه اخیر نهادهای بین‌المللی تاکنون بارها برآوردهایی را از خسارات وارد شده بر اقتصاد جهانی بر اثر جنگ میان ایران و آمریکا ارائه داده‌اند. اخیراً فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) اسنادی به کنگره ارائه داده است که بر اساس آن جنگ تا اواسط اکتبر ۲۰۲۶ هزینه‌ای به ارزش ۴۷ میلیارد دلار به بار آورده است. هزینه‌های وارد شده به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه حتی به ابعاد دیگر زندگی شهروندان اروپایی و آمریکایی وارد شده است. بر اساس برآوردهای مارک زندی، اقتصاددان ارشد مؤسسه مودیز، این جنگ به‌طور متوسط هزینه‌ای نزدیک به ۲ هزار دلار به‌ازای هر خانوار آمریکایی به همراه داشته است. از سوی دیگر شاهد تاثیرات ابعاد وخیم بحران ترانزیت سوخت در منطقه غرب آسیا و فرا منطقه بوده‌ایم.

در همین راستا مرکز انرژی و هوای پاک در گزارشی در همین زمینه نوشت از زمان آغاز بحران در پایان ماه فوریه، مصرف‌کنندگان در سراسر جهان متحمل ۴۶۸ میلیارد دلار هزینه‌کرد اضافی برای بنزین و گازوئیل شده‌اند. این تنها نمونه‌ای از تاثیر ناچیز ابعاد ژئوپلیتیکی بحران جنگ تحمیلی علیه ایران بر اقتصاد جهانی است و تا زمان نبود ثبات بر این شریان اصلی، زیان‌های اقتصادی به مراتب بیشتر از گذشته خواهد بود. با این وجود در صورتی که جنگی دیگر رخ دهد، خسارت‌های وارده بر اقتصاد جهانی پیش‌بینی نشده خواهد بود.با اکتشاف نفت در منطقه خاورمیانه، نوع مواجهه با مسائل مختلف همچون برقراری صلح، یا ادامه دادن جنگ چه در غرب آسیا و چه در دیگر نقاط جهان متفاوت از گذشته شد. گاهی با افزایش قیمت نفت برای کشور مبدا ادامه جنگ هموار می‌شود و تصمیم‌گیری حول محور جنگ براساس قیمت نفت تعیین می‌شود، اما از سویی دیگر با افزایش حامل هایی انرژی، فشارهای اقتصادی در دیگر نقاط جهان که خواهان واردات نفت هستند شرایط را به نسبت دشوارتر می‌کند.تاثیر این ماده خام بر روی اقتصادی جهانی باعث شده تا تصمیم‌گیری رئیس جمهور آمریکا در خصوص پرونده ایران، با در نظر گرفتن قیمت نفت صورت می‌گیرد. در همین یک سال اخیر بسیاری از اقدامات و توییت‌های امیدوارکننده دشمن تنها با هدف پایین نگه داشتن قیمت طلای سیاه صورت گرفته است و انگیزه کاهش فشار افکار عمومی را دنبال می‌کرده است. با این حال در صورت روشن شدن مجدد جرقه جنگ در منطقه، امنیت دریایی به شدت به خطر می‌افتد و این موضوع سبب بالا رفتن قیمت نفت و افزایش نارضایتی عمومی در میان شهروندان غربی می‌شود.
بنابراین محدودیت در تنگه هرمز به طور مستقیم بر روی پمپ بنزین‌های شهرهای آمریکا تاثیر منفی می‌گذارد. نارضایتی که در هفته‌های اخیر از شهر پاریس شروع شد و به تدریج دیگر پایتخت‌های اروپایی را نیز درنوردید، تنها نشانه‌ای از کاهش تاب‌آوری اجتماعی میان کشورهای غربی است. در نتیجه انتظار می‌رود در صورت وقوع مجدد جنگ شاهد اعتراضات میلیونی شهروندان این کشورها باشیم.نباید این واقعیت را فراموش کنیم که منطقه خاورمیانه با آنکه به عنوان «پمپ بنزین» دهکده جهانی شناخته می‌شود اما در صحنه عمل، در سال‌های اخیر عملا بدل به بخشی از زنجیره‌های تامین ارزش در حوزه فولاد، کودهای شیمیایی، اینترنت و غیره شده است. بحران جاری در اروپا، تهدید آغاز بحران غذایی در قاره آفریقا، آسیب پذیری جدی کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا در حوزه تامین نفت و گاز مایع و در نهایت تهدید از بین رفتن زیرساخت‌های انرژی در منطقه خلیج فارس، این سوال را برای کشورهای جهان ایجاد کرده است که دولت ترامپ قرار است به چه قیمتی با ماجراجویی‌های نتانیاهو همراهی کند؟

آیا کاخ سفید پرونده ایران را بخشی از پرونده «مهار چین» می‌انگارد و برای حل و فصل آن حاضر به پرداخت هر هزینه‌ای است؟

صفر شدن واردات گازوئیل با اجرای راهکارهای بهینه‌سازی



محمدصادق عظیمی‌فر مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در حاشیه بازدید حمید بورد، سرپرست وزارت نفت از انبار نفت ری با اشاره به آسیب‌های وارده به زیرساخت‌های انرژی کشور در جریان جنگ تحمیلی سوم، بیان کرد: در جریان حمله‌های ددمنشانه اخیر دشمنان، زنجیره تأسیسات حوزه انرژی کشور ازجمله تأسیسات تولید خوراک در پارس جنوبی و زنجیره انتقال و توزیع فرآورده‌های نفتی به‌ویژه در استان‌های تهران و البرز مورد اصابت قرار گرفتند که هدف اصلی دشمن از این حملات، ایجاد اختلال و بحران در زنجیره توزیع سوخت کشور بود؛ موضوعی که وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز در ماه‌های اخیر بارها با هشدار درباره قحطی سوخت و اعمال محاصره دریایی آن را دنبال می‌کرد.وی با اشاره به واکنش سریع شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در روزهای نخست حمله به تأسیسات ذخیره‌سازی فرآورده‌های سوخت، افزود: با اقدام‌های فوری و بازگردانی بخش بزرگی از تأسیسات در همان روزهای ابتدایی، دشمن در رسیدن به اهداف خود ناکام ماند و هزاران نفر در سراسر کشور شبانه‌روز پای کار آمدند تا اجازه ندهند کشور دچار بحران شود.

فازبندی پروژه‌های بازسازی و تمرکز بر ظرفیت‌های ذخیره‌سازی

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با اشاره به راهبردهای این شرکت در بازسازی تأسیسات، تصریح کرد: پروژه‌های بازسازی در گام نخست فازبندی شدند؛ بدین معنا که اقدام‌هایی که می‌توانست در سریع‌ترین زمان ممکن بخش عمده‌ای از ظرفیت‌های عملیاتی را احیا کند، در اولویت قرار گرفت و خوشبختانه بخش قابل توجهی از ظرفیت انتقال و توزیع فرآورده‌ها در کوتاه‌ترین زمان به چرخه بازگشت.عظیمی‌فر یادآور شد: گرچه جزئیات فنی و عملیاتی موضوع قابل بازگو کردن نیست، اما هم‌اکنون تمرکز اصلی ما بر بازگردانی ظرفیت‌های ذخیره‌سازی آسیب‌دیده در مناطق هدف با رعایت کامل ملاحظه‌های ایمنی و فنی متمرکز است.

گذر موفق از زمستان پیش‌رو بدون همراهی و مشارکت مردم ممکن نخواهد بود

وی با تأکید بر اینکه چالش‌های کنونی نیازمند رویکردی متفاوت از رویه‌های متعارف گذشته است، گفت: کشور به دلیل آسیب‌های وارده با کاهش تولید در برخی بخش‌ها به‌ویژه بخش گاز روبه‌روست و اگر بخواهیم طبق روال پیشین عمل کنیم، بی‌تردید قادر به پاسخ‌گویی به چالش‌ها نخواهیم بود، ازاین‌رو کارگزاران و فعالان دولتی و آحاد مردم باید از بروکراسی حاکم بر سیستم‌ها و رویه‌های پراتلاف مصرف فاصله بگیرند.مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با بیان اینکه شدت مصرف انرژی در کشور 2.5 برابر میانگین جهانی است، افزود: در حوزه صرفه‌جویی در مصرف، ظرفیت‌های قابل توجهی وجود دارد که می‌توان با اقدام‌های کوچک در مدت‌زمانی کوتاه به دستاوردهای قابل توجهی در این زمینه رسید و باید از این ظرفیت بهره برد؛ زیرا با وجود تلاش‌ها برای بازگردانی حداکثری ظرفیت‌ها، گذر موفق از زمستان پیش‌رو بدون همراهی و مشارکت مردم ممکن نخواهد بود.

ثبت رکورد 3.3 میلیارد لیتری در ذخایر نفت‌گاز نیروگاه‌ها

عظیمی‌فر با اعلام اینکه ذخایر سوخت نیروگاهی (نفت‌گاز) با تلاش شبانه‌روزی به بیش از 3 میلیارد و 300 میلیون لیتر رسیده است که رکوردی تاریخی به شمار می‌رود، تأکید کرد: با وجود این حجم کم‌نظیر از ذخیره‌سازی، اگر در بخش گاز ازجمله تولید و بهینه‌سازی مصرف و در بخش نیروگاهی مانند مدیریت سوخت معادل و سبد مصرف سوخت، اقدام بهینه انجام نشود، بی‌شک در عبور از چالش زمستان با مشکل روبه‌رو خواهیم شد، ازاین‌رو برای عبور از این چالش به همدلی و هم‌افزایی میان همه دستگاه‌ها نیازمندیم.

همچنین موضوع تأمین سوخت زمستانی را وظیفه‌ای بین‌بخشی میان وزارتخانه‌های نفت، نیرو، صمت و دیگر ذی‌نفعان دانست و گفت: اگر هریک از اجزای این زنجیره به وظایف خود عمل نکند، دیگر بخش‌ها نیز دچار چالش خواهند شد.

منفی‌شدن رشد مصرف بنزین و افزایش 15 درصدی مصرف سی‌ان‌جی

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران همچنین با اشاره به آمار و روند مصرف بنزین در کشور گفت: مصرف بنزین کشور طی سال‌های اخیر به دلایلی همچون ورود خودروهای جدید، خارج نشدن خودروهای فرسوده، تغییر سبد سوخت و کاهش مصرف سی‌ان‌جی، سالانه 6 درصد رشد داشت.

عظیمی‌فر افزود: مجموعه‌ای از راهکارهای مدیریت مصرف، اعم از اقدام‌های غیرقیمتی و ابزارهای تدریجی نظیر قیمت سوم طی دو سال اخیر در دستور کار قرار گرفت که در نتیجه آن، میانگین رشد مصرف بنزین در سال 1405 نسبت به پارسال به صفر رسید و برای نخستین بار پس از دوران کرونا، در آبان امسال رشد مصرف بنزین با ثبت نرخ منفی 2 درصد کاهشی شد.

وی با بیان اینکه میانگین مصرف روزانه بنزین در آبان کمتر از 131 میلیون لیتر است، بیان کرد: این کاهش مصرف حاصل همکاری دستگاه‌ها و همراهی ارزشمند مردم است و هم‌زمان با کاهش 2 درصدی مصرف بنزین، مصرف سوخت پاک سی‌ان‌جی در کشور با 15 درصد افزایش روبه‌رو بوده که نشان‌دهنده هدایت درست سبد سوخت از سوی شهروندان است.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران با تأکید بر اینکه ظرفیت صرفه‌جویی در بخش فرآورده‌های نفتی بسیار قابل توجه است، یادآور شد: صرفه‌جویی به معنای اعمال محدودیت نیست، بلکه به معنای مصرف بهینه است.

اوراق وکالت ارزی؛ ابزار تازه برای جذب ارزهای سرگردان



ارز در اقتصاد ایران سال‌هاست که فقط یک دارایی برای حفظ ارزش نیست؛ به کالایی تبدیل شده که هر نوسان آن، سفره خانوار، تراز تجارت و انتظارات عمومی را تکان می‌دهد. در این میان، بخش بزرگی از اسکناس و دارایی‌های ارزی، نه در مسیر تولید و تجارت، بلکه در خانه‌ها، صندوق‌های امانات و بازارهای غیررسمی راکد مانده است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که بخشنامه‌ها و قیمت‌گذاری‌های دستوری، نه مانع خروج سرمایه شده و نه نوسان‌ها را مهار کرده است. همین ناکارآمدی، سیاست‌گذار را به سمت مسیر دیگری سوق داده است؛ مسیری که در آن به جای «تحدید»، «ابزارسازی» مطرح می‌شود. اوراق وکالت ارزی، یکی از جدی‌ترین گزینه‌های این مسیر تازه است.

اوراق وکالت ارزی اصلا چیست؟

برای فهم این ابزار، بهتر است از ساده‌ترین مثال شروع کنیم. فرض کنید فردی مقداری ارز دارد و می‌خواهد آن را حفظ کند، اما حاضر نیست آن را بی‌بازده و راکد نگه دارد. از سوی دیگر، پروژه‌ها و فعالان اقتصادی نیز به ارز نیاز دارند، اما تأمین آن از مسیر بانک‌ها با دشواری‌ها و محدودیت‌های فراوان همراه است. اوراق وکالت ارزی، پلی میان این دو گروه است.

در این سازوکار، سرمایه‌گذار ارزی خود را به یک نهاد واسط یا وکیل می‌سپارد؛ وکیل موظف است آن منابع را در فعالیت‌های اقتصادی مشخص و سودآور به‌کار بگیرد. این فعالیت‌ها می‌تواند تأمین مالی تجارت، مشارکت در پروژه‌های ارزآور یا قراردادهای تجاری باشد. سپس عواید حاصل، بر اساس سهم دارنده، در قالب بازدهی مشخص و در همان ارز پایه به او پرداخت می‌شود و در سررسید نیز اصل دارایی ارزی به سرمایه‌گذار بازمی‌گردد. نکته کلیدی اینجاست که رابطه میان دو طرف، نه رابطه بدهکار و بستانکار، بلکه رابطه وکیل و موکل است؛ یعنی سرمایه‌گذار مالک ارز خود باقی می‌ماند و وکیل تنها آن را در مسیر سرمایه‌گذاری هدایت می‌کند.

تفاوت این اوراق با سپرده ارزی معمولی نیز همین‌جاست. اوراق وکالت ارزی در بازار ثانویه قابل معامله است؛ یعنی دارنده اگر به نقدینگی نیاز داشت، می‌تواند اوراق خود را بفروشد، بدون آنکه ناشر متعهد به بازپرداخت زودهنگام شود. این ویژگی، هم برای سرمایه‌گذار فرصت نقدشوندگی ایجاد می‌کند و هم برای ناشر، برنامه‌ریزی بلندمدت را ممکن می‌سازد.

تفاوت با اوراق مرابحه ارزی و مزیت‌های این ابزار

اوراق وکالت ارزی را باید در کنار اوراق مرابحه ارزی دید، اما این دو یکی نیستند. اوراق مرابحه ارزی ساختاری مبتنی بر بیع و خرید کالا یا تجهیزات دارد و بازده آن از پیش مشخص و قطعی است. اما اوراق وکالت انعطاف بیشتری دارد؛ چراکه می‌تواند ترکیبی از دارایی‌های فیزیکی، سهام، حقوق مالی و قراردادهای تجاری را در یک بسته سرمایه‌گذاری جمع کند. به بیان ساده، مرابحه برای تأمین مالی یک معامله مشخص است، اما وکالت برای مدیریت فعال یک سبد ارزی.

مهم‌ترین اثر اوراق وکالت ارزی، بازگرداندن اعتماد به شبکه رسمی است. بخشی از ارزهایی که امروز در حاشیه بازار نگهداری می‌شود، نه به دلیل نبود فرصت، بلکه به دلیل بی‌اعتمادی به سازوکارهای رسمی و نبود بازدهی جذاب، وارد چرخه تولید نمی‌شود. اگر دارنده ارز مطمئن باشد که اصل دارایی‌اش با همان ارز حفظ و بازگردانده می‌شود و در فاصله زمانی نگهداری نیز بازدهی دریافت می‌کند، انگیزه‌اش برای خارج ماندن از شبکه رسمی کاهش می‌یابد.

مزیت دوم، تعمیق بازار ارز است. شکل‌گیری بازار ثانویه و قیمت‌گذاری این اوراق، به کشف نرخ واقعی و کاهش نوسانات هیجانی کمک می‌کند. نوسانی که امروز در واکنش به یک خبر یا یک بخشنامه رخ می‌دهد، در بازاری عمیق‌تر و با ابزارهای متنوع سرمایه‌گذاری، آرام‌تر و منطقی‌تر می‌شود.

مزیت سوم، تأمین مالی پایدار برای صنایع ارزآور است. صنایع پتروشیمی، معدنی و نفت و گاز که درآمد صادراتی دارند، به‌جای اتکا به تسهیلات تکلیفی یا منابع مقطعی، می‌توانند نیازهای توسعه‌ای خود را از این طریق تأمین کنند؛ چون درآمد و تعهد آن‌ها در یک تراز ارزی تعریف می‌شود، ریسک تسعیر نیز کاهش می‌یابد. در واقع این صنایع نه از جیب ریال، بلکه از جیب ارز خود، سرمایه‌گذاری می‌کنند.



کاهش ۹۰ درصدی گاز در کوره‌های آجرپزی

سعید توکلی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در نشست با رئیس و اعضای اتاق بازرگانی تهران با دعوت از فعالان بخش خصوصی برای مشارکت در طرح‌های بهینه‌سازی و تجارت گاز تأکید کرد: ظرفیت‌های قانونی و اقتصادی مناسبی برای فعالیت شرکت‌های کارور و توسعه واردات گاز وجود دارد و باید با مشارکت صاحبان صلاحیت و سرمایه‌گذاران از این فرصت‌ها برای تقویت امنیت انرژی و پایداری تأمین گاز کشور استفاده کرد.وی درباره تازه‌ترین وضع تولید و تأمین گاز کشور گفت: پیش از این حوادث، کشور در روزهای سرد سال با ناترازی روزانه 250 تا 300 میلیون مترمکعب گاز روبه‌رو بود، اما در جریان حملات دشمن 230 میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز کشور از دست رفت.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با بیان اینکه بلافاصله پس از این حادثه، نشست‌های مدیریت یکپارچه در وزارت نفت برای بازگرداندن ظرفیت‌های آسیب‌دیده تشکیل شد، افزود: با تلاش شبانه‌روزی همکاران، تاکنون حدود 40 درصد از ظرفیت ازدست‌رفته به چرخه بازگشته و بخشی از ظرفیت تولید میعانات گازی نیز احیا شده است.توکلی با اشاره به پیچیدگی بازسازی بخش باقی‌مانده از ظرفیت آسیب‌دیده تصریح کرد: حدود 130 میلیون مترمکعب از ظرفیت ازدست‌رفته به دلیل آسیب به تجهیزات و نقاط ابتدایی فرایند پالایش، همچنان خارج از چرخه است و بازگرداندن آن به زمان و تجهیزات تخصصی نیاز دارد.وی با بیان اینکه با وجود گستردگی آسیب‌ها، پایداری شبکه گاز کشور حفظ شد، گفت: حتی در ساعت‌های نخست پس از حمله، شبکه گاز کشور با اختلال گسترده روبه‌رو نشد. این موضوع نشان‌دهنده تلاش و هماهنگی مجموعه فعالان زنجیره تأمین گاز از بخش بالادستی تا پایین‌دستی است.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به آسیب به شبکه و تاسیسات گاز کشور در جریان جنگ تحمیلی سوم افزود: با وجود این آسیب‌ها، به‌ویژه در ایستگاه‌های تقلیل فشار و تأسیسات توزیع گاز، شبکه گاز در مناطق مختلف کشور پایدار ماند و در مواردی مانند مریوان و کامیاران نیز اقدام‌های فوری برای برقراری پایداری شبکه انجام شد.توکلی ادامه داد: با وجود کاهش 130 میلیون مترمکعبی ظرفیت تولید، تاکنون محدودیتی در تأمین گاز واحدهای صنعتی و تولیدی کشور اعمال نشده است، موضوعی که حاصل مدیریت یکپارچه انرژی و همکاری دستگاه‌های مسئول بوده است.

ضرورت اولویت‌بندی مصرف گاز در زمستان

وی با تأکید بر ضرورت مدیریت مصرف و اولویت‌بندی مصارف گاز در زمستان پیش‌رو گفت: امسال شرایطی استثنایی در حوزه تأمین انرژی داریم و لازم است همه دستگاه‌ها و ذی‌نفعان بخش انرژی با نگاه واقع‌بینانه و بر اساس اعداد و ارقام برای عبور از زمستان برنامه‌ریزی کنند.مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به سهم حدود 73 درصدی گاز در سبد انرژی کشور تصریح کرد: وابستگی گسترده بخش‌های مختلف کشور به گاز از صنایع و نیروگاه‌ها تا بخش خانگی و مناطق دورافتاده ضرورت توجه به پایداری شبکه را دوچندان کرده است. پایداری شبکه گاز، برخلاف تصور عمومی موضوعی ثابت نیست و با تغییر شرایط تولید، مصرف و دمای هوا به‌صورت مستمر تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.

توکلی بیان کرد: در صورت تکرار شرایط سرمای سال 1403 و استمرار دوره‌های طولانی سرما، مصرف گاز بخش خانگی و تجاری می‌تواند از 600 میلیون مترمکعب در روز فراتر رود، بنابراین باید از هم‌اکنون برای مدیریت مصرف و حفظ ذخایر سوخت برنامه‌ریزی شود.



مهندس آسمان‌ها» در رادیو نمایش

به نقل از روابط عمومی رادیو نمایش، طاهره برهانی‌نژاد تهیه‌کننده ویژه‌برنامه «مهندس آسمان‌ها» با اشاره به رویکرد محتوایی این برنامه گفت: بسیاری از ما نام سردار حسن طهرانی‌مقدم را با قدرت و فناوری‌های پیشرفته می‌شناسیم اما پشت هر دستاورد بزرگی، توانایی دیدن آینده و برنامه‌ریزی برای تحقق آن قرار دارد.

وی افزود: این ویژه‌برنامه صرفاً به بازخوانی زندگی و سوابق این فرمانده نمی‌پردازد، بلکه تلاش دارد مفهوم آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت را که از ویژگی‌های برجسته شهید طهرانی‌مقدم بود، مورد بررسی قرار دهد.

برهانی‌نژاد ادامه داد: در «مهندس آسمان‌ها» به این موضوع می‌پردازیم که شهید طهرانی‌مقدم چگونه توانست فراتر از زمان خود بیندیشد و بر ضرورت داشتن نقشه راه و صبر راهبردی برای دستیابی به اهداف بزرگ تأکید داشته باشد. همچنین می‌کوشیم از مسیر زندگی و دستاوردهای او به اهمیت برنامه‌ریزی در زندگی امروز و آینده برسیم.

تهیه‌کننده این برنامه با اشاره به بخش‌های مختلف آن اظهار کرد: در این ویژه‌برنامه، علاوه بر روایت‌هایی از زندگی و شیوه مدیریت شهید طهرانی‌مقدم، پیوند میان رویاهای بزرگ و برنامه‌ریزی دقیق بررسی می‌شود. همچنین فرصتی برای مشارکت شنوندگان فراهم شده است تا دیدگاه‌ها و تجربه‌های خود را درباره آینده‌نگری و برنامه‌ریزی با برنامه در میان بگذارند.

ویژه‌برنامه «مهندس آسمان‌ها» پنجشنبه ۲۱ آبان، از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰ با اجرای فرشته قربانی و حمید عبیری از رادیو نمایش پخش می‌شود.

تهیه‌کنندگی و آیتم‌سازی این برنامه را طاهره برهانی‌نژاد بر عهده دارد، شرمینه جمشیدی نویسنده آن است و فاطمه قیدر نیز هماهنگی و ارتباطات برنامه را انجام می‌دهد.

احادیث «نهی از قیام» نباید به ابزار تضعیف تبدیل شود



در این روزها و بلکه سال‌های اخیر، عده‌ای از عالمان به ویژه «اخباری‌ها» با استناد به برخی روایات درباره نهی از قیام پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه، تلاش می‌کنند مشروعیت حکومت را زیر سؤال ببرند و از این احادیث نتیجه بگیرند که هرگونه تشکیل حکومت در دوران غیبت باطل است. فارغ از صحت‌سنجی سند و متن این روایات و بررسی دلالت آنها و نیز فارغ از پذیرش یا انکار این دست از احادیث آل الله، یک پرسش مهم وجود دارد: آیا طرح چنین مباحثی در شرایط کنونی و در فضای عمومی جامعه، آن هم با چنین نتیجه‌گیری‌هایی، کار درستی است؟ حتی اگر فرض کنیم این روایات از نظر سند و دلالت معتبر باشند، باز هم باید میان بحث علمی و نحوه طرح آن در جامعه تفاوت قائل شد. بررسی روایات مربوط به قیام، حکومت و دوران غیبت، موضوعی تخصصی است که باید در محافل علمی و جمع‌های خصوصی و کارشناسی شیعیان دنبال شود. تبدیل این مباحث به ابزار جدال سیاسی در فضای عمومی، بدون توجه به شرایط و پیامدها، نه به فهم بهتر معارف اهل‌بیت کمک می‌کند و نه لزوماً نتیجه درستی به همراه دارد و نه به سیره و سنت عترت در حفظ جان و دمای مسلمین در برابر دشمنان ارتباط دارد. نکته مهم‌تر، توجه به سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام در مواجهه با کسانی است که با برداشت یا تشخیص خود دست به قیام می‌زدند. حتی در مواردی که امامان با یک قیام همراهی نمی‌کردند یا آن را تأیید نمی‌کردند، لزوماً در برابر دشمنان به تخریب رهبر قیام نمی‌پرداختند. میان نپذیرفتن یک حرکت و قرار گرفتن در جبهه مخالفان آن تفاوت وجود دارد. اهل‌بیت در بسیاری از موارد، ضمن حفظ موضع و تشخیص خود، حرمت و جایگاه کسانی را که در برابر حاکمان ستمگر ایستاده بودند، حفظ می‌کردند.برای نمونه، در ماجرای حسین بن علی، معروف به شهید فخ، امام موسی کاظم علیه‌السلام با درخواست بیعت او همراهی نکرد. در روایتی که کلینی در کتاب الکافی نقل کرده است، امام به او فرمود: «یا ابن عمّ، لا تکلّفنی ما کلّف ابن عمّک عمّک أبا عبد الله، فیخرج منّی ما لا أرید، کما خرج من أبی عبد الله ما لم یکن یرید». یعنی «مرا در موقعیتی قرار نده که پسرعمویت، محمد بن عبدالله (مشهور به نفس زکیه)، عمویت امام صادق را در آن قرار داد؛ مبادا از من سخنی سر بزند که خود نمی‌خواهم.» اما نکته قابل توجه این است که امام پس از خداحافظی حسین فخ، به او فرمود: «یا ابن عمّ، إنّک مقتول فأجدّ الضراب»؛ یعنی ای پسرعمو، تو کشته خواهی شد؛ پس در نبرد سخت و استوار باش. این عبارت نشان می‌دهد که خودداری امام از همراهی با قیام، به معنای تخریب و تضعیف کسی نبود که در برابر حکومت عباسی ایستاده بود.نمونه دیگر، رفتار امام صادق علیه‌السلام با زید بن علی است. درباره قیام زید گزارش‌های متفاوتی وجود دارد و نمی‌توان همه آنها را یکسان ارزیابی کرد؛ قدر مسلّم، عدم همراهی امام و صحابه‌ی ایشان با زید بود؛ با این حال، در روایتی آمده است که وقتی برخی نزد امام از زید بدگویی کردند، حضرت فرمود: «لا تفعل، رحم الله عمی زیداً»؛ یعنی «چنین نکن، خدا عمویم زید را رحمت کند.» امام رضا علیه‌السلام نیز بعدها در گفت‌وگو با مأمون، زید را از دانشمندان خاندان پیامبر معرفی کرد و فرمود او برای خدا خشمگین شد و با دشمنان خدا جنگید تا در راه خدا به شهادت رسید. این برخوردها نشان می‌دهد که حتی اگر درباره یک قیام اختلاف نظر وجود داشته باشد، نباید به تخریب شخصیتی که در برابر ظلم ایستاده است، تبدیل شود.اینجا باید به یک تفاوت مهم توجه کرد: فرق است میان حدیث و سیره. حدیث، یک نقل مشخص از سخن یا رفتار معصوم است که باید سند، متن، شرایط صدور و دلالت آن بررسی شود. اما سیره، مجموعه رفتارها و مواضع اهل‌بیت در موقعیت‌های مختلف است. نمی‌توان یک روایت را جدا از مجموعه سیره‌ی امامان برداشت کرد

برای نمایش برخی صحنه‌ها مواجه شود. او تأکید کرد که فیلم را با هزینه شخصی ساخته و ترجیح می‌دهد آن را بدون تغییر و حذف به نمایش بگذارد.

مسئله فقط حرف‌ها نیست؛ تریبون هم اهمیت دارد

بی‌تردید اظهارات محمدزاده درباره سانسور، پوشش و ضرورت نمایش واقعیت‌های اجتماعی، دیدگاه شخصی او درباره سینما و جامعه است و می‌توان درباره درستی یا نادرستی آن بحث کرد. اما آنچه این بار حاشیه تازه‌ای ایجاد کرده، صرفاً محتوای صحبت‌های او نیست؛ بلکه رسانه‌ای است که این صحبت‌ها را بازتاب داده است.ایران‌اینترنشنال در فضای رسانه‌ای ایران به‌عنوان شبکه‌ای با رویکرد سیاسی مخالف جمهوری اسلامی شناخته می‌شود و منتقدانش نیز آن را به همسویی با سیاست‌های اسرائیل متهم می‌کنند. از همین رو، حضور چهره‌های شناخته‌شده ایرانی مقابل دوربین این شبکه، به‌ویژه در موضوعات حساس، معمولاً فراتر از یک گفت‌وگوی معمولی رسانه‌ای ارزیابی می‌شود.در این میان، کنار هم قرار گرفتن دو اتفاق اخیر در کارنامه رسانه‌ای محمدزاده، موضوع را قابل تأمل‌تر می‌کند؛ از یک سو، موضع‌گیری صریح او در حمایت از فلسطین و مخالفت با اسرائیل و از سوی دیگر، گفت‌وگو با رسانه‌ای که منتقدانش آن را در جبهه رسانه‌ای مقابل ایران می‌دانند.البته صرف پاسخ دادن به پرسش یک خبرنگار را نمی‌توان به معنای تأیید تمام سیاست‌ها و مواضع رسانه متبوع او دانست؛ همان‌طور که نمی‌توان از یک مصاحبه، درباره تغییر عقیده یا انگیزه‌های شخصی یک هنرمند نتیجه‌گیری قطعی کرد. با این حال، انتخاب تریبون، به‌خصوص برای چهره‌های شناخته‌شده،

مسئله فقط حرف‌ها نیست؛ تریبون هم اهمیت دارد

بی‌تردید اظهارات محمدزاده درباره سانسور، پوشش و ضرورت نمایش واقعیت‌های اجتماعی، دیدگاه شخصی او درباره سینما و جامعه است و می‌توان درباره درستی یا نادرستی آن بحث کرد. اما آنچه این بار حاشیه تازه‌ای ایجاد کرده، صرفاً محتوای صحبت‌های او نیست؛ بلکه رسانه‌ای است که این صحبت‌ها را بازتاب داده است.ایران‌اینترنشنال در فضای رسانه‌ای ایران به‌عنوان شبکه‌ای با رویکرد سیاسی مخالف جمهوری اسلامی شناخته می‌شود و منتقدانش نیز آن را به همسویی با سیاست‌های اسرائیل متهم می‌کنند. از همین رو، حضور چهره‌های شناخته‌شده ایرانی مقابل دوربین این شبکه، به‌ویژه در موضوعات حساس، معمولاً فراتر از یک گفت‌وگوی معمولی رسانه‌ای ارزیابی می‌شود.در این میان، کنار هم قرار گرفتن دو اتفاق اخیر در کارنامه رسانه‌ای محمدزاده، موضوع را قابل تأمل‌تر می‌کند؛ از یک سو، موضع‌گیری صریح او در حمایت از فلسطین و مخالفت با اسرائیل و از سوی دیگر، گفت‌وگو با رسانه‌ای که منتقدانش آن را در جبهه رسانه‌ای مقابل ایران می‌دانند.البته صرف پاسخ دادن به پرسش یک خبرنگار را نمی‌توان به معنای تأیید تمام سیاست‌ها و مواضع رسانه متبوع او دانست؛ همان‌طور که نمی‌توان از یک مصاحبه، درباره تغییر عقیده یا انگیزه‌های شخصی یک هنرمند نتیجه‌گیری قطعی کرد. با این حال، انتخاب تریبون، به‌خصوص برای چهره‌های شناخته‌شده،

از «با اسرائیل حال نمی‌کنم» تا گفت‌وگو با شبکه اسرائیلی!

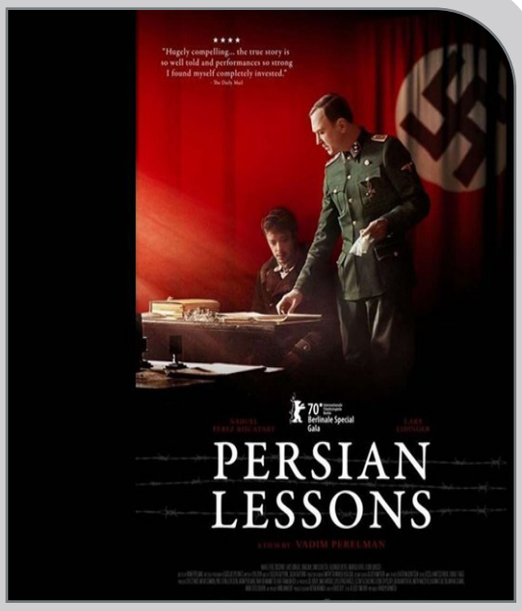


نوید محمدزاده بار دیگر به اخبار فرهنگی بازگشته است؛ این بار نه به واسطه یک نقش‌آفرینی متفاوت یا حضور روی فرش قرمز یک جشنواره بین‌المللی، بلکه به دلیل گفت‌وگویی که در حاشیه سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو انجام داد و خیلی زود واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشت.ماجرا از آنجا آغاز شد که این بازیگر و کارگردان سینمای ایران، در نشست خبری فیلم «واقعاً آدم خاصی نیستم» به پرسش‌های خبرنگار شبکه ایران‌اینترنشنال پاسخ داد؛ گفت‌وگویی که محتوای آن درباره سانسور در سینمای ایران و سبک زندگی نسل جدید بود، اما انتخاب رسانه برای طرح این دیدگاه‌ها نیز به اندازه خود اظهاراتش مورد توجه قرار گرفت.

این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که چندی پیش، محمدزاده با انتشار تصویری با طرح پرچم فلسطین و سپس انتشار ویدئویی، موضعی صریح درباره مسئله فلسطین و اسرائیل اتخاذ کرده بود. او در آن ویدئو گفته بود: «قبلاً هم از فلسطین حمایت کردم، الان هم کردم و در ادامه هم می‌کنم، چرا؟ چون اصلاً با اسرائیل حال نمی‌کنم. قطعاً هم تا همیشه فلسطین را انتخاب می‌کنم.»
آن اظهارات بازتاب گسترده‌ای داشت و محمدزاده در ادامه نیز بر موضع خود تأکید کرد. حتی در همان ویدئو، با اشاره به فضای دوقطبی شکل‌گرفته پیرامون هنرمندان، گفته بود: «من نه در اردوگاه این طرف جای دارم و نه در اردوگاه آن طرف آبی‌ها؛ من تنها در اردوگاه زندگی جای دارم و در هوای وطنم ایران نفس می‌کشم.»
اما حالا گفت‌وگوی تازه او با رسانه‌ای که به دلیل مواضع و رویکرد سیاسی‌اش در قبال ایران، با انتقادهای جدّی روبه‌روست، پرسش تازه‌ای را مطرح کرده است: نسبت میان مواضع پیشین یک هنرمند و انتخاب رسانه‌ای او برای بیان دیدگاه‌هایش چیست؟

محمدزاده در توکیو چه گفت؟

محمدزاده در بخشی از این گفت‌وگو، با اشاره به دو نوع سانسور داخلی و خارجی، به محدودیت‌های موجود در بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی در سینمای ایران پرداخت و اظهار داشت: «دو نوع سانسور وجود دارد؛ سانسور داخلی و سانسور خارجی. سانسور داخلی مربوط به الزام رعایت حجاب در آثار سینمایی است؛ این در حالی است که طی سه، چهار سال اخیر، در فضای عمومی جامعه شاهد حضور افرادی با پوشش‌های متفاوت بوده‌ایم؛ برخی باحجاب و برخی بدون حجاب. این واقعیتی است که در جامعه جریان دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.»
او در ادامه، با تأکید بر ضرورت انعکاس واقعیت‌های اجتماعی در آثار سینمایی، تصریح کرد: «اگر می‌خواهیم فیلم اجتماعی بسازیم، باید تصویری که در فیلم ارائه می‌دهیم، به آنچه در جامعه مشاهده می‌کنیم، شباهت داشته باشد.»این بازیگر همچنین درباره سرنوشت فیلمش و احتمال اکران آن در ایران اظهار کرد که تمایلی به اکران عمومی اثر ندارد؛ چراکه در صورت تصمیم به اکران، ممکن است با محدودیت‌هایی



کالبدشکافی فیلم اسرائیلی

فیلم‌های غیرواقعی مربوط به جنگ جهانی دوم، سهمیه سالانه مشخصی در غرب دارند و استودیوهای هالیوود در آمریکا و کمپانی‌های فیلم‌سازی در دیگر کشورهای تحت سلطه یهود بین‌الملل، همیشه در طول سال، تعداد مشخصی تولید در این‌حوزه دارند. این‌فیلم‌ها از نظر قالب محتوایی و سوژه در چند کلیشه تکراری و همیشگی تکرار می‌شوند و اگر مخاطبان جدی سینما با نگاه انتقادی، ساختار و محتوای این‌آثار را بررسی کنند، متوجه این‌شباهت‌ها می‌شوند.
ازجمله موضوعات تکراری این‌گونه فیلم‌ها، بحث تاب‌آوری یهودیان در اروپای جنگ جهانی دوم و تطابق آن‌ها با شرایط سخت محیطی برای زنده‌ماندن و دیدن روزهای پس از جنگ است که منتهی به تشکیل دولت جعلی اسرائیل در فلسطین اشغالی شدند. این‌چارچوب، نمونه‌های نامی و مشخصی در سینما دارد؛ ازجمله «فهرست شیندلر»، «پیانیست»، «یعقوب کذاب»، «مقاومت»، «کتاب سیاه» و ...یکی از فیلم‌های نسبتا متاخر این‌ژانر، «درس‌های فارسی» است که سال 2020 ساخته شد و حواشی جالبی دارد؛ ازجمله این‌که ساخته بلاروس است اما کارگردان آن وادیم پرلمان، یکاوکرایینی ساکن آمریکاست و وقتی فیلمش برای شرکت در جایزه اسکار معرفی شد، چون بیشتر دست‌اندرکارانش بلاروسی نبودند، رد شد.
تماشای این‌فیلم، تجربه جدیدی محسوب نمی‌شود چون همه حرف‌ها، صحنه‌ها و اتفاقات آن را به صورت معادل‌های مختلف دیده‌ایم؛ جز این‌که متاسفانه پای زبان شیرین فارسی و نام مقدس ایران و شهر تهران هم در این‌اثر دروغین اسرائیلی‌ها که مربوط به جنگ جهانی دوم است، وسط کشیده می‌شود.

دروغ؛ از همان‌ابتدا!

فیلم از همان‌ابتدا با یک‌دروغ آغاز می‌شود؛ این‌که تمام اسناد اردوگاه و فهرست اسرای حاضر در آن، پیش از آزادسازی (بخوانیم اشغال توسط متفقین) توسط آلمان‌ها سوزانده شده‌اند. برای قوم غالبی که هنوز در آثار فرهنگی هنری خود از آلمان‌ها به‌عنوان هیولای ترسناک جهان استفاده می‌کند، افزودن این‌دروغ بر دروغ‌های دیگر کار چندان دشواری نیست. اما این‌دروغ را نگه می‌داریم و در آخر مطلب که درباره سکانس پایانی فیلم صحبت می‌کنیم، کاربرد آن را متوجه می‌شویم. چون از نظر مهندسی درام و قصه، ترفندی که برای پایان‌بندی فیلم در نظر گرفته شده، عالی و تاثیرگذار است!
به‌هرحال پس از درج این‌جمله دروغ بر قاب فیلم «درس‌های فارسی»، تصاویر بسته از دفاتر و فهرست‌های اسامی اسرا که در حال سوختن هستند، در قاب قرار می‌گیرند که این‌تصاویر با یک‌موسیقی حزین همراه‌اند. پس از دروغ اول، قصه فیلم با این‌عنوان شروع می‌شود: «فرانسه؛ 1942» و سپس دروغ بعدی به مخاطب گفته می‌شود: «این‌فیلم برگرفته از اتفاقات واقعی است!» چون سینمای غرب پر است از این‌داستان‌های واقعی که واقعیت‌شان مربوط به جهان قصه‌ها و افسانه‌هاست.
بعد، کامیونی در جاده‌ای خارجی پیش می‌رود و تعدادی مرد خسته و کوفته را در قسمت بار خود جا داده که مخاطب متوجه می‌شود یهودی‌اند و ته‌ریش و چهره‌های زار و نزارشان به مخاطب آشنای این‌گونه فیلم‌ها می‌گوید یا به سمت اردوگاه کار اجباری می‌روند یا مرگ! این‌تصویر آشنا، به‌سرعت این‌معنا را در ذهن مخاطب خلق می‌کند که این‌مردان از خانه و زندگی و نظم روزمره‌شان بیرون کشیده و مورد ظلم قرار گرفته‌اند. پس از لحظاتی، وقت آن است دوربین کارگردان، از تصویر عمومی مسافران کامیون گذر کرده و روی دو مسافر متمرکز شود. یکی که خیلی گرسنه است، کتاب باارزشی را که همراه دارد، با نصف ساندویچ مرد کناری تاخت می‌زند. کتاب به زبان فارسی نوشته و صاحبش می‌گوید آن را از بین اموال صاحبخانه خود که فرار کرده، برداشته است. اسم صاحب کتاب یا همان‌صاحبخانه هم که داخل آن نوشته شده، «رضا» بوده است. حالا نوبت آن است که کارگردان چَک اول را در دقایق ابتدایی فیلم به مخاطب بزند. کامیون متوقف می‌شود، مسافران پیاده شده و چمدان‌هایشان به سویی پرتاب و روی هم تلنبار می‌شود. خودشان هم به سویی منتقل و بدون معطلی به رگبار بسته می‌شوند. بعد هم تیر خلاص می‌خورند؛ یک‌اعدام دسته‌جمعی از جنس همان‌تصاویر همیشگی که در فیلم‌های دیگر درباره کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم دیده‌ایم و می‌دانیم چیزی جز افسانه و دستاویز تبلیغاتی اسرائیل نیستند. چون آلمان نازی یکی از بزرگ‌ترین شرکا و همکاران آژانس یهود در کوچاندن یهودیان به فلسطین برای تشکیل اسرائیل بود.

من یهودی نیستم، ایرانی‌ام!

اما کارگردان این‌فیلم خواسته قصه‌اش که برگرفته از «اتفاقات واقعی» است، متفاوت‌تر از دیگر آثار مشابه باشد! در نتیجه بین اعدامی‌ها یک‌یهودی هست که بدون این‌که تیر بخورد، خود را زمین انداخته و سربازان دژخیم آلمانی متوجه این‌رندی و حیله‌گری‌اش می‌شوند. در نتیجه برای این‌که خوراک 2 ساعته فیلم را برای مخاطب تدارک ببینند، جای آن‌که او را با گلوله‌ای خلاص کنند، می‌گویند «فکر کردی خیلی زرنگی؟ بلند شو ببینم!» بعد زیر بغل یهودی مورد اشاره را می‌گیرند تا اعدامش کنند اما او به خلاف هم‌نژادهای خود این‌فرصت را پیدا می‌کند که پیش از رسیدن گلوله‌ها، اعلام کند یهودی نیست و دارای ملیت ایرانی است. از آن‌جایی هم که خدا همیشه در و تخته را جور می‌کند، یکی از سربازان به دیگری می‌گوید یهودی را نکشد چون اگر ایرانی باشد، می‌توانند از سروان کوخ جایزه بگیرند.

حملات نظامی آمریکا علیه ایران جدی‌ترین موضوع حقوق بشری در سال ۲۰۲۶ است



مراسم «رونمایی از گزارش‌های سالانه نقض حقوق بشر در آمریکا و انگلیس» سه‌شنبه12 آبان 1405، با حضور خسرو حکیمی، مشاور رئیس قوه قضاییه و معاون قضایی دبیر ستاد حقوق بشر و معاونت امور بین‌الملل، کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، حمید احمدی، سرپرست اداره کل حقوق بشر وزارت امور خارجه و سارا فلاحی، رئیس کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی، در سالن علامه جعفری وزارت امور خارجه برگزار شد.حکیمی در این نشست ضمن گرامی‌داشت یاد و نام شهدای سرافراز سه جنگ تحمیلی علیه کشورمان، با تأکید بر اینکه حقوق بشر، میراث مشترک جامعه بشری و مجموعه‌ای از تعهدات الزام‌آور بین‌المللی است که هیچ دولتی نمی‌تواند خود را از رعایت آن‌ها مستثنی بداند، اظهار داشت: اعتبار نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز در گرو آن است که این تعهدات بدون تبعیض، فارغ از قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت‌ها و بدون معیارهای دوگانه اجرا شوند.معاون قضایی دبیر ستاد حقوق بشر افزود: جمهوری اسلامی ایران، در راستای همین رویکرد و با هدف کمک به ارتقای آگاهی جامعه بین‌المللی از موارد نقض حقوق بشر، وظیفه تهیه و انتشار گزارش سالانه درباره نقض حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا و انگلیس را بر اساس تبصره سوم قانون «افشای نقض حقوق بشر توسط آمریکا و انگلیس در جهان امروز»، مصوب سوم اردیبهشت 1391 مجلس شورای اسلامی، دنبال می‌کند.وی تصریح کرد: اهمیّت این گزارش‌ها صرفاً در ثبت و اعلام موارد نقض حقوق بشر نیست؛ بلکه در مستندسازی رفتار دولت‌ها، بررسی تعهدات بین‌المللی نقض‌شده، توجه به آثار انسانی اقدامات دولت‌ها و فراهم‌کردن زمینه پاسخ‌گویی و جبران خسارت قربانیان است. از این منظر، گزارش حاضر نیز باید بر اسناد معتبر سازمان ملل متحد، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، آمارهای رسمی و اطلاعات قابل راستی‌آزمایی استوار باشد.

وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا

مشاور رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به اینکه تحولات سال 2026 در ایالات متحده آمریکا، موارد متعددی از نگرانی‌های جدی حقوق بشری را آشکار کرده است، اضافه کرد: این موارد را می‌توان در سه حوزه اصلی بررسی کرد: نخست، عملیات نظامی خارج از قلمرو آمریکا و آثار آن بر حق حیات انسانها؛ دوم، استفاده از نیروی مرگبار و نقض حق حیات؛ سوم، برخورد با مهاجران و افراد بازداشت‌شده.

وی یادآور شد: در میان موارد قابل بررسی، حملات نظامی آمریکا علیه ایران در 28 فوریه 2026، از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌ویژه آنکه یک سازوکار مستقل سازمان ملل متحد نیز درباره این حملات اظهارنظر کرده است. در این زمینه، گزارش مأموریت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل متحد درباره ایران که در 17 سپتامبر 2026 منتشر شد، از اسناد بسیار مهم و قابل توجه است.حکیمی ادامه داد: این مأموریت اعلام کرد که دلایل معقولی برای باور به ارتکاب جنایت جنگی از سوی ایالات متحده در دو حمله هوایی علیه ایران وجود دارد. نخستین مورد، حمله موشکی به مدرسه ابتدایی شجره طیبه در شهرستان میناب، استان هرمزگان، در 28 فوریه 2026 است. وی همچنین گفت: بر اساس یافته‌های اعلام‌شده از سوی مأموریت حقیقت‌یاب، حمله به این مرکز آموزشی که به‌وضوح یک هدف غیرنظامی قابل شناسایی بوده، به کشته‌شدن بیش از 150 نفر، از جمله حدود 120 دختر و پسر، منجر شده است. مأموریت حقیقت‌یاب این اقدام را از مصادیق احتمالی جنایت جنگیِ قرار دادن یک شیء غیرنظامی در معرض حمله دانسته است.معاون قضایی دبیر ستاد حقوق بشر دومین مورد را حمله به مجموعه ورزشی و منطقه مسکونی در شهرستان لامرد، استان فارس عنوان کرد و گفت: بر اساس همان گزارش، در این حمله که با استفاده از موشک‌های دقیق نقطه‌زن انجام شده و موجب انتشار ترکش‌های متعدد از جنس تنگستن در محدوده مجموعه ورزشی و منطقه مسکونی شده است، 22 مرد و زن غیرنظامی جان باخته‌اند.وی افزود: مأموریت حقیقت‌یاب اعلام کرده است که دلایل معقولی برای باور به ارتکاب جنایت جنگی از طریق انجام حمله کور که به مرگ و جراحت غیرنظامیان و خسارت به اموال غیرنظامی منجر شده، وجود دارد.حکیمی با بیان اینکه اهمیت حقوقی این گزارش در آن است که موضوع را در چارچوب سه اصل بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار می‌دهد، گفت: نخست، اصل تفکیک که طرف‌های مخاصمه را مکلف می‌کند میان اهداف نظامی و اشخاص و اموال غیرنظامی تمایز قائل شوند. دوم، اصل تناسب که انجام حملاتی را که خسارات اتفاقی مورد انتظار آن‌ها به غیرنظامیان در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و مشخص بیش از حد باشد، ممنوع می‌کند و سوم، اصل احتیاط که طرف‌های مخاصمه را به اتخاذ تمامی اقدامات احتیاطی ممکن برای پیشگیری از آسیب به غیرنظامیان ملزم می‌سازد.

وی تأکید کرد: ما معتقدیم کشته‌شدن دانش‌آموزان در یک مدرسه و شهروندان غیرنظامی در یک مجموعه ورزشی و منطقه مسکونی، نباید در میان تحولات سیاسی و نظامی فراموش شود.

استفاده غیرقانونی از نیروی مرگبار و نقض حق حیات

مشاور رئیس قوه قضائیه در ادامه گفت: یکی دیگر از نمونه‌های قابل توجه، کشته‌شدن رنه نیکول گود، شهروند 37 ساله آمریکایی، در هفتم ژانویه 2026 در شهر مینیاپولیس، در جریان عملیات مأموران اداره مهاجرت آمریکاست. سازمان دیده‌بان حقوق بشر پس از بررسی چهار ویدئوی مربوط به این واقعه، اعلام کرد شواهد تصویری با ادعای مقام‌های فدرال درباره استفاده قربانی از خودرو به‌عنوان سلاح علیه مأموران سازگار نیست و استفاده از نیروی مرگبار در این حادثه را غیرقابل توجیه ارزیابی کرد.وی افزود: در حادثه‌ای دیگر، الکس پرتی، پرستار 37 ساله بخش مراقبت‌های ویژه، در 24 ژانویه 2026 در جریان عملیات مأموران فدرال در مینیاپولیس هدف تیراندازی قرار گرفت و جان باخت. دیده‌بان حقوق بشر با بررسی تصاویر متعدد و اظهارات شاهدان، این واقعه را دومین مورد از کشته‌شدن غیرقابل توجیه شهروندان توسط مأموران فدرال در همان ماه ارزیابی کرد و خواستار انجام تحقیقات مستقل و پاسخ‌گویی مسئولان شد.حکیمی تصریح کرد: این دو حادثه، صرفاً موضوعاتی مربوط به عملکرد انتظامی داخلی آمریکا نیستند؛ بلکه مستقیماً با تعهدات این کشور ذیل ماده 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، درباره حق ذاتی حیات انسان، ارتباط

ترغیب نفرستادن دانش‌آموزان به مدرسه تخلف است

در روزهای اخیر انتشار برخی اخبار و شایعات در فضای مجازی درباره ضرورت نفرستادن دانش‌آموزان به مدارس موجب نگرانی و سردرگمی برخی از خانواده‌ها شده است و برخی والدین نیز یکدیگر را به نفرستادن فرزندانشان به مدرسه ترغیب می‌کنند.

گزارش‌هایی نیز از برخی مدارس به‌ویژه تعدادی از مدارس غیردولتی می‌رسد که به خانواده‌ها اعلام می‌کنند دانش‌آموزان خود را در روز چهارشنبه به مدرسه نفرستند.

در همین ارتباط، علی فرهادی سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم با تأکید بر اینکه خانواده‌ها نباید تحت تأثیر شایعات فضای مجازی قرار بگیرند، اظهار کرد: مردم به شایعاتی که با هدف ایجاد واهمه و به تعطیلی کشاندن مدارس منتشر می‌شود، توجه نکنند.وی تأکید کرد: هیچ مدرسه‌ای حق ندارد والدین را به نفرستادن فرزندانشان به مدرسه ترغیب کند و چنین اقدامی تخلف محسوب می‌شود.

آموزش حضوری فراتر از انتقال محتوای درسی

سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به اهمیت استمرار آموزش حضوری گفت: والدین دلسوزترین افراد نسبت به فرزندان خود هستند و لازم است در موضوع دایر بودن یا تعطیلی مدارس به تصمیم‌های آموزش‌وپرورش اعتماد کنند.

فرهادی با طرح این پرسش که تعطیلی آموزش حضوری چه آسیب‌هایی برای دانش‌آموزان و آینده کشور به دنبال دارد، افزود: فاصله گرفتن تدریجی دانش‌آموزان از مدرسه و آموزش حضوری می‌تواند پیامدهای جدی به همراه داشته باشد و زمینه‌ساز آسیب‌های نسلی و کاهش سواد و توانمندی نسل آینده شود.

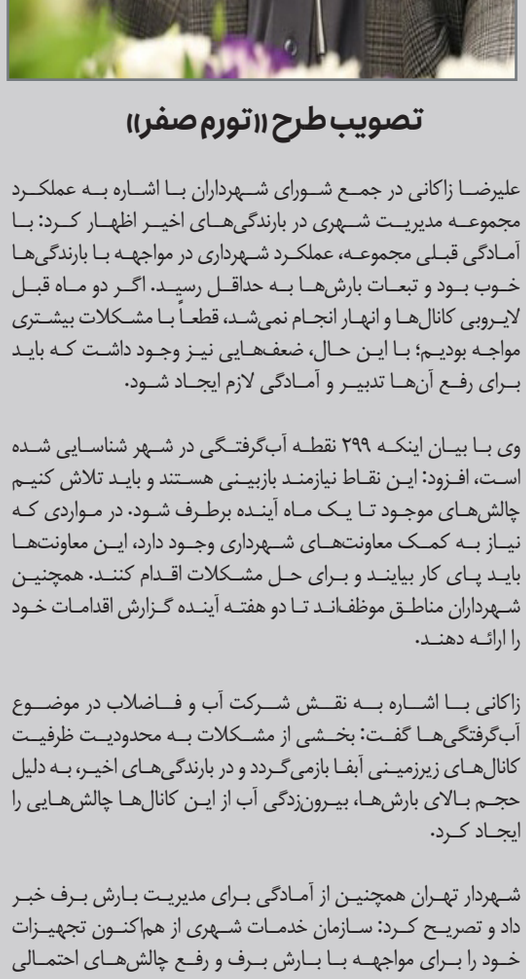
وی ادامه داد: مدرسه صرفاً محل انتقال مطالب درسی و آموزش علمی نیست بلکه مهم‌ترین بستر تربیت دانش‌آموزان نیز به شمار می‌رود. تربیت تمام‌ساحتی در ابعاد علمی، اعتقادی، اجتماعی و بدنی از مأموریت‌های اصلی مدرسه است و تحقق کامل این اهداف با آموزش حضوری امکان‌پذیر خواهد بود.

فرهادی با بیان اینکه سن دانش‌آموزان اقتضائات خاصی دارد، خاطرنشان کرد: آموزش حضوری متناسب با شرایط سنی و نیازهای تربیتی دانش‌آموز است و نمی‌توان آموزش غیرحضوری را به‌عنوان جایگزینی کامل برای آن در نظر گرفت.

تعطیلی مدارس نباید به تصمیم‌های شتاب‌زده تبدیل شود

سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش همچنین با اشاره به تجربه تعطیلی مدارس در جریان جنگ 40 روزه اظهار کرد: در آن مقطع حتی در برخی مناطقی که حملات دشمن در آن‌ها رخ نداده بود نیز مدارس تعطیل شدند بنابراین باید درباره پیامدهای تعطیلی گسترده مدارس و آثار آن بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان با دقت بیشتری تصمیم‌گیری شود.

وی با تأکید بر اینکه تصمیم‌گیری درباره فعالیت مدارس با ملاحظات امنیتی و شرایط کشور ارتباط مستقیم دارد، گفت: آموزش‌وپرورش در تعامل با مجموعه امنیتی کشور درباره دایر بودن یا تعطیلی مدارس تصمیم‌گیری می‌کند و در صورت ضرورت ممکن است آموزش در برخی استان‌ها به‌صورت مقطعی غیرحضوری یا ترکیبی از آموزش حضوری و مجازی دنبال شود.فرهادی با اشاره به مصوبه دولت درباره اختیارات وزارت آموزش‌وپرورش در زمینه تعطیلی مدارس تصریح کرد: اختیار تصمیم‌گیری درباره تعطیلی مدارس بر عهده آموزش‌وپرورش است و نباید به دلایل ساده‌ای مانند آلودگی هوا یا برودت هوا به‌راحتی آموزش حضوری را متوقف کرد.
وی با اشاره به تجربه برخی کشورها در مواجهه با آلودگی هوا گفت: در بسیاری از کشورها با وجود اینکه میزان آلودگی هوا حتی از تهران نیز بیشتر است، مدارس تعطیل نمی‌شوند و باید در تصمیم‌گیری‌ها ضرورت استمرار آموزش و پیامدهای تعطیلی مدارس نیز مورد توجه قرار گیرد.
سخنگوی وزارت آموزش و پرورش گفت: انتظار می‌رود خانواده‌ها اخبار مربوط به وضعیت فعالیت مدارس را صرفاً از مراجع رسمی آموزش‌وپرورش پیگیری کنند و مدارس نیز از هرگونه اطلاع‌رسانی غیرمستند یا ترغیب خانواده‌ها به عدم حضور دانش‌آموزان بدون اعلام رسمی مراجع مسئول، خودداری کنند چون استمرار آموزش و جلوگیری از وقفه‌های تحصیلی از الزامات حفظ کیفیت یادگیری و تربیت دانش‌آموزان است.



تصویب طرح «تورم صفر»

علیرضا زاکانی در جمع شورای شهرداران با اشاره به عملکرد مجموعه مدیریت شهری در بارندگی‌های اخیر اظهار کرد: با آمادگی قبلی مجموعه، عملکرد شهرداری در مواجهه با بارندگی‌ها خوب بود و تبعات بارش‌ها به حداقل رسید. اگر دو ماه قبل لایروبی کانال‌ها و انهار انجام نمی‌شد، قطعاً با مشکلات بیشتری مواجه بودیم؛ با این حال، ضعف‌هایی نیز وجود داشت که باید برای رفع آن‌ها تدبیر و آمادگی لازم ایجاد شود.

وی با بیان اینکه ۲۹۹ نقطه آب‌گرفتگی در شهر شناسایی شده است، افزود: این نقاط نیازمند بازبینی هستند و باید تلاش کنیم چالش‌های موجود تا یک ماه آینده برطرف شود. در مواردی که نیاز به کمک معاونت‌های شهرداری وجود دارد، این معاونت‌ها باید پای کار بیایند و برای حل مشکلات اقدام کنند. همچنین شهرداران مناطق موظفاند تا دو هفته آینده گزارش اقدامات خود را ارائه دهند.

زاکانی با اشاره به نقش شرکت آب و فاضلاب در موضوع آب‌گرفتگی‌ها گفت: بخشی از مشکلات به محدودیت ظرفیت کانال‌های زیرزمینی آبفا بازمی‌گردد و در بارندگی‌های اخیر، به دلیل حجم بالای بارش‌ها، بیرون‌زدگی آب از این کانال‌ها چالش‌هایی را ایجاد کرد.

شهردار تهران همچنین از آمادگی برای مدیریت بارش برف خبر داد و تصریح کرد: سازمان خدمات شهری از هم‌اکنون تجهیزات خود را برای مواجهه با بارش برف و رفع چالش‌های احتمالی مستقر کرده است.

ضرورت ارتقای کیفیت رفت‌وروب و آراستگی شهر

وی در ادامه با تأکید بر ضرورت ارتقای کیفیت خدمات رفت‌وروب و نگهداشت فضای سبز اظهار کرد: حقوق کارگران حوزه فضای سبز افزایش پیدا کرده است و این افزایش باید آثار خود را در کیفیت خدمات و عملکرد مجموعه نشان دهد.

زاکانی آراستگی شهر را از موضوعات بسیار مهم مدیریت شهری دانست و گفت: معاونت خدمات شهری و مجموعه‌های زیرمجموعه آن وظایف بزرگی بر عهده دارند و مناطق نیز باید با همت و استفاده از ظرفیت این معاونت، برای آراستگی شهر تلاش کنند. شرایط امروز در این حوزه رضایت‌بخش نیست و باید برای بهبود آن اقدام جدی صورت گیرد.

شهردار تهران با اشاره به برخی مصادیق سد معبر در معابر شهری افزود: گاهی شاهد هستیم یک واحد صنفی، مانند اغذیه‌فروشی، با قراردادن میز و صندلی تمام پیاده‌رو را مسدود می‌کند. موارد مشابه در حوزه بساط‌گستری نیز وجود دارد که باید ساماندهی شوند. اگرچه مسئولیت اصلی این موضوع بر عهده معاونت خدمات شهری است، شهرداران مناطق نیز باید در محدوده مسئولیت خود برای ساماندهی این شرایط اقدام کنند.

وی با اشاره به شرایط جنگی و معیشتی کشور خاطرنشان کرد: در مواجهه با بساط‌گستران، با توجه به شرایط موجود، نگاه ما همراه با اغماض است؛ اما حرکت به سمت اصلاح و ساماندهی این وضعیت ضرورت دارد، بدون آنکه به بساط‌گستران آسیبی وارد شود.

تأکید زاکانی بر پشتیبانی ویژه از تجمعات مردمی در میادین

زاکانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مدیریت تجمعات مردمی در سطح شهر گفت: در بررسی‌های انجام‌شده، نزدیک به ۴۷ میدان حضور فعال در تجمعات نداشتند، اما بر اساس آمارگیری شب گذشته، ۳۶ محله فعال شده بودند.

وی با تأکید بر ضرورت تقویت ارتباط مردم با مدیریت شهری افزود: عملکرد شهرداری باید به‌گونه‌ای باشد که مردم احساس کنند می‌توانند به این مجموعه تکیه کنند و مدیریت شهری در کنار آن‌هاست.
شهردار تهران با اشاره به اینکه تجمعات مردمی مبتنی بر فرمایشات رهبر انقلاب، خط مقدم جبهه هستند، خطاب به شهرداران مناطق تأکید کرد: برای حل مشکلات این تجمعات، در هر میدان باید نماینده‌ای به‌منظور پشتیبانی و پیگیری امور تعیین شود. همچنین باید در میادین، خدمات ویژه‌تر و باکیفیت‌تری ارائه کنیم و خدمات مرتبط با حوزه معیشت مردم نیز مورد توجه قرار گیرد.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیرمسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



تخلف دانش‌آموزان

لی فرهادی سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش با تأکید بر اینکه خانواده‌ها نباید تحت تأثیر شایعات فضای مجازی قرار بگیرند، اظهار کرد: مردم به شایعاتی که با هدف ایجاد واهمه و به تعطیلی کشاندن مدارس منتشر می‌شود، توجه نکنند.

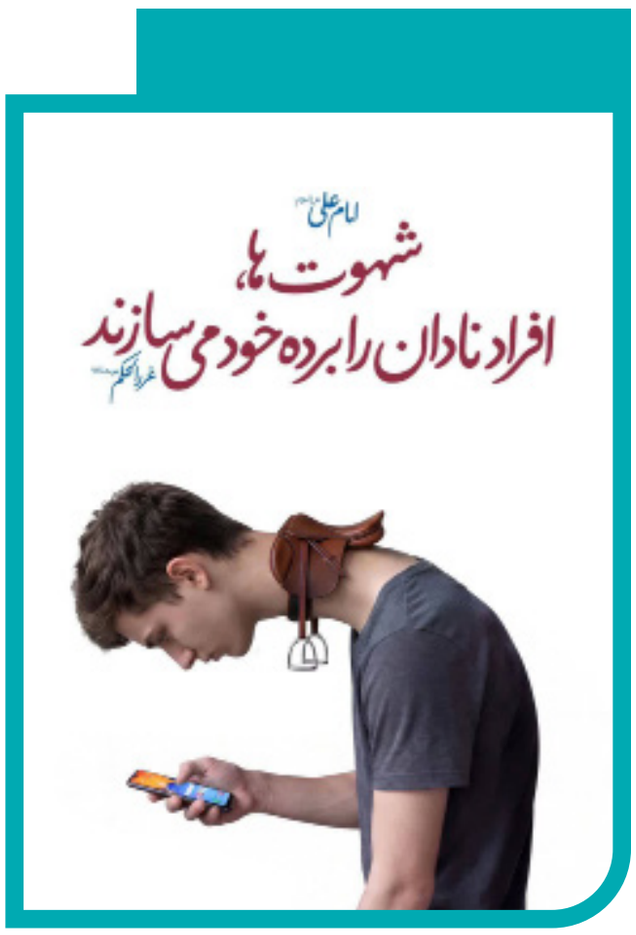
۷

پای زبان فارسی را وسط کشید!

فیلم با یادوخاطره یهودیانی که در دنیای قصه‌ها قربانی شدند و در واقعیت در فلسطین رحل اقامت افکندند تمام می‌شود.

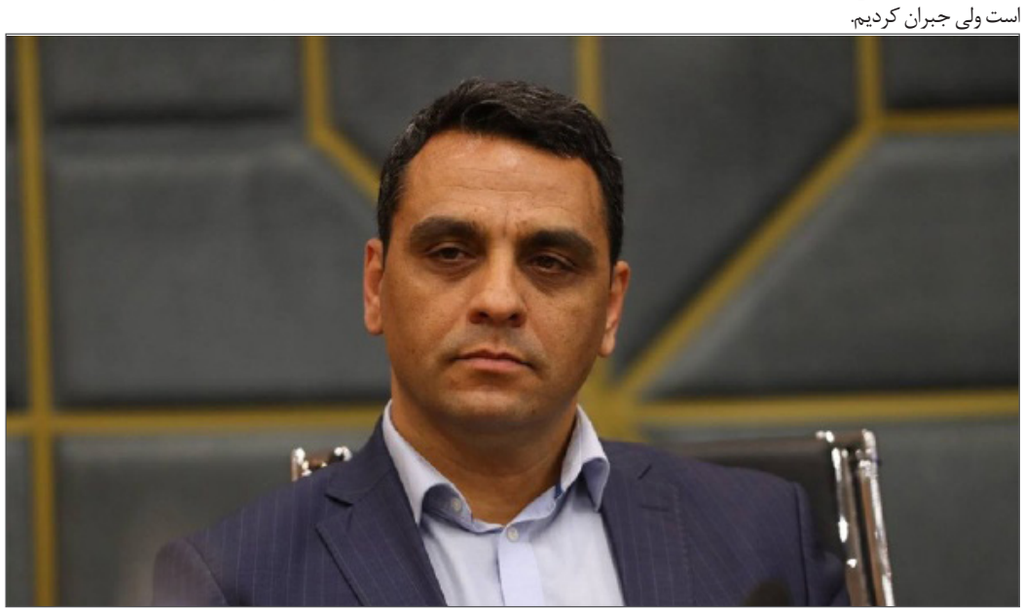
۶





این تیم‌ها در آزادی کمتر از ۴ گل نمی‌خوردند

سعید فتاحی رئیس پس از پیروزی یک بر صفر استقلال مقابل الشمال قطر گفت: به کادرفنی و بازیکنان خسته نباشید می گویم. خیلی موقعیت گل داشتیم، اما بالاخره بردیم. به نظرم با یک گل شادی اش بیشتر شد. وی در مورد نتایج خوب استقلال در ورزشگاه بصره عراق گفت: خدا را شکر؛ اصرار ما بر این بود که این ورزشگاه را انتخاب کنیم. حتی نزدیک بود میزبانی ما در این ورزشگاه از دست برود اما با پیگیری هایی که داشتیم این اتفاق افتاد. ما نسبت به تیم های دیگر راحت تر به عراق می رویم و حتی هواداران مان هم می آیند. ان‌شاءالله بتوانیم در کشور خودمان و در استادیوم آزادی میزبانی کنیم؛ مطمئن باشید این رقبا در آزادی کمتر از سه، چهار گل نمی خورند.رئیس سازمان فوتبال استقلال در مورد استقبال خوب هواداران از این بازی گفت: در بازی قبل ما نمی دانستیم چه اتفاقی می افتد، چون مرز یکی دو روز قبل از آن بسته شده بود. در این مسابقه برنامه ریزی باشگاه بهتر شده بود. به هواداران قول می دهیم در بازی های بعد برنامه ریزی ما بهتر شود تا هواداران بیشتری بیایند. فتاحی درباره اینکه صالح حردانی در جشن پیروزی شرکت نکرد و او هم به دنبال مدافع استقلال رفت، عنوان کرد: حردانی پایش درد داشت و گفت که باید برود و یخ بگذارد. دلیل این موضوع همین بود. وی در واکنش به این موضوع که در صورت اطلاع رسانی ممکن است هواداران عراقی بیشتری به ورزشگاه بیایند، گفت: اطلاع رسانی کردیم، قطعا بازی بعد در عراق هم اطلاع رسانی بیشتری خواهیم کرد. با این بازی که استقلال انجام می دهد حتماً هواداران بیشتری خواهند آمد. رئیس سازمان فوتبال استقلال درباره نتایج این تیم در لیگ نخبگان عنوان کرد: خدا را شکر این اتفاق افتاد. از روز اول کادرفنی و بازیکنان همقسم شدند. همانطور که همه جا گفتند استقلال متخصص آسیا است. در لیگ هم نتایج خوبی گرفتیم، با تمام محدودیت هایی که داشتیم، مثل پنجره بسته، بازی های فشرده. در بازی قبل مقابل العین هم تیم ما واقعا خسته بود؛ به هر حال فوتبال است ولی جبران کردیم.





خطر حذف ۸ ساله از جهان به خاطر ۲۰ میلیارد!

رقابت‌های جهانی فوتبال قطع عضو در حالی از چند روز دیگر به میزبانی کشور مکزیک آغاز می‌شود که تیم ملی ایران به عنوان یکی از ۲۴ تیم شرکت کننده، جواز حضور در این رویداد ورزشی را بدست آورده و باید با انگلیس، لهستان و کاستاریکا در مرحله گروهی رقابت کند.ایران سال گذشته در مسابقات قهرمانی آسیا به میزبانی اندونزی به مقام نخست رسید و جواز حضور در رقابت‌های جهانی را کسب کرد.از همان آبان سال ۱۴۰۴ که جواز حضور در مسابقات جهانی بدست آمد، برنامه‌ریزی لازم برای برگزاری اردوهای تدارکاتی انجام شد. اقدامات لازم پس از صدور مجوز شورای برون مرزی وزارت ورزش برای دریافت ویزا نیز صورت گرفت، اما با وجود صدور ویزای اعضای این تیم ممکن است این اعزام انجام نشود.

جعفر عسگری رئیس انجمن فوتبال قطع عضو در این باره به خبرنگار تسنیم گفت: از سال گذشته که قهرمان آسیا شدیم، تاکنون ۶ مرحله اردوی ۸ تا ۱۰ روزه داشتیم



برای بازگشت میزبانی به AFC نامه زدیم

زنوزی با اشاره به شرایط دشوار سفرهای آسیایی تراکتور خاطرنشان کرد: از خستگی بازیکنان ناشی از این سفرها آگاه هستم. دو سفر اخیر به عمان با دشواری‌های زیادی همراه بود و تیم ناچار شد مسیرهای غیرمستقیم و طولانی را طی کند؛ به‌طوری‌که سفر قبلی حدود ۱۸ ساعت و سفر اخیر نیز نزدیک به ۱۴ ساعت به طول انجامید. قطعاً چنین شرایطی بر آمادگی و عملکرد بازیکنان تأثیرگذار است، اما با این وجود، بازیکنان با تمام توان در زمین حاضر شدند. امیدوارم در دیدارهای آینده با کسب نتایج مطلوب، این تلاش‌ها به ثمر بنشیند و بتوانیم از مرحله گروهی رقابت‌ها صعود کنیم.وی با اشاره به وضعیت مصدومان تیم گفت: متأسفانه در مقطع کنونی تعداد مصدومان ما زیاد است و این موضوع کار تیم را دشوار کرده است. مهدی ترابی یکی از بازیکنان تأثیرگذار تراکتور نیز در جمع مصدومان قرار دارد. شخصاً علاقه زیادی به ترابی دارم و امیدوارم او و سایر بازیکنان مصدوم هرچه زودتر سلامتی خود را به دست آورند

تاج: قلعه‌نویی تا جام ملت‌ها هست



مهدی تاج در حاشیه دیدار دوستانه تیم ملی فوتسال و تیم ناشنوایان درباره تعویق مسابقات جام ملت‌های آسیا، اظهار داشت: من قبلا پیش‌بینی کرده بودم بازی‌ها به تعویق می‌افتد که این اتفاق افتاد. ضمن اینکه انتخابات کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز به تعویق افتاده است. وی در مورد برنامه‌های تیم ملی فوتبال ایران تصریح کرد: امیر قلعه‌نویی تا پایان جام ملت‌های آسیا قرارداد دارد و امروز جلسه‌ای با ایشان درباره بازی‌های فیفادی برگزار کردیم. جلسه خوبی نیز با یحیی گل‌محمدی برگزار کردیم و قرار است فردا جلسه بین این دو عزیز برگزار شود که ممکن است من هم شرکت کنم. باید بتوانیم تیم فوتبال امید را با تیم ملی بزرگسالان را هماهنگ کنیم. مطمئن هستیم تیم ملی ما جوانگرایی جدی خواهد داشت، چون یک سال تا جام ملت‌های آسیا فرصت داریم. رئیس فدراسیون فوتبال با اشاره به وضعیت تیم ملی فوتسال ایران گفت: امروز تیم ملی فوتسال با تیم ملی ناشنوایان بازی کرد که تیم خوبی است و آنها در المپیک قهرمان شده‌اند. ما در تورنمنت تایلند شرکت خواهیم کرد، تورنمنتی که ژاپن، آرژانتین و ... حضور دارند. همین که در بازی‌ها شرکت می‌کنیم، اقتدار کشورمان است نه فدراسیون فوتبال. تیم ملی فوتسال بانوان امروز برای شرکت در تورنمنتی راهی چین شد. تیم ملی نوجوانان فوتسال در المپیک بازی خود را برد و تیم ملی فوتسال ساحلی نیز در اردو حضور دارد و خودش را برای بازی‌های آسیایی آماده می‌کند. در واقع، 5،6 تیم ملی ما درگیر مسابقات هستند که اقتدار کشور را نشان می‌دهد. عده‌ای دنبال این بودند که جنگ را به سمت ایران بکشانند تا کشور تعطیل شود و اتفاق مثبتی نیفتد اما 5 تیم ملی ما در حال تمرین کردن هستند که جای تقدیر و تشکر از مسئولان نظام و هم مردمی دارد که مقاوم ایستاده‌اند.تاج در خصوص تورنمنت چند جانبه عراق و بحث برنامه حضور تیم ملی در این تورنمنت خاطرنشان کرد: بله، این تورنمنت سر جای خود هست و اسامی بازیکنان تیم ملی توسط قلعه‌نویی اعلام می‌شود. فیفادی تیم امید را داریم که اسامی این بازیکنان نیز توسط گل‌محمدی نیز اعلام خواهد شد.

وی در مورد برنامه‌های فدراسیون فوتبال برای بازی‌های تدارکاتی برای تیم‌های ملی گفت: حتما برنامه‌ریزی خواهیم کرد. فراهم کردن بازی‌های تدارکاتی خیلی سخت شده است. هزینه‌ها نیز هنگفت است. تیم ملی فوتسال بانوان در حالی راهی چین می‌شود که 300،400 میلیون هزینه هر نفر شده است. ما در حال حاضر 6 اردو و رویداد داریم که شامل فوتبال، فوتسال و ... می‌شود. وزارت ورزش و جوانان و در واقع کل کشور کمک می‌کنند. کسانی که دنبال تعطیلی کشور بودند اکنون باید شاهد حضور 6 تیم ما در رویداد جهانی و آسیایی در حوزه فوتبال باشند. تیم‌های کشتی ما به نوعی قهرمان جهان شده‌اند که نشان دهنده اقتدار کشور است.رئیس فدراسیون فوتبال در خصوص برگزاری مسابقات جام حذفی پس از تعویق بازی‌های جام ملت‌های آسیا تصریح کرد: چون از قبل می‌دانستیم بازی‌ها به تعویق می‌افتد نامه‌ای به سازمان لیگ ارسال کردم که بازی‌های جام حذفی حتما برگزار شود.تاج در واکنش به اتفاقات دیدار ملوان انزلی و تراکتور تبریز عنوان کرد: فردا جلسه‌ای در این رابطه برگزار می‌شود. روز گذشته نیز در وزارت ورزش جلسه دو، سه ساعته با حضور مقامات امنیتی و قضایی برگزار شد. کارهایی انجام می‌شود تا این نوع اتفاقات به حداقل برسد. آرای انضباطی نیز نشان دهنده مصمم بودن برای برخورد است.

وی ادامه داد: روز گذشته جلسه‌ای با مصطفی متدین و علی تاجرنیا در استقلال و امروز با پیمان حدادی مدیرعامل پرسپولیس برگزار کردیم. نامه‌ای برای کاهش هزینه‌های این دو باشگاه از مجموعه‌ای آمده است. هر چند که هزینه‌هایی که از سوی این دو باشگاه می‌شود به این دلیل است که 30،40 میلیون نفر آدم درگیر این دو باشگاه هستند.

رئیس فدراسیون فوتبال درباره شانس علیرضا بیرانوند برای انتخاب مرد سال آسیا گفت: قبلا پیش بینی کرده بودم که جام ملت‌های آسیا به تعویق می‌افتد که درست از آب در آمد و این بار هم امیدوارم بیرانوند مرد سال آسیا شود.